

اکتبر ۲۷

www.oktoberr.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

Rz.Danesh@gmail.com

سردبیر: رضا دانش

۱۶ مرداد ۸۸ - ۷ اوت ۲۰۰۹

فراخوان حمایتی کمونیست ها و آزادیخواهان در کردستان از اعتصاب عمومی مردم کردستان در ۲۸ مرداد ۸۸ ص ۲

اعتصاب عمومی، کیفر خواستی علیه کلیت جمهوری اسلامی منظر محمدی ص ۳



در مورد اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد مردم کردستان

مصاحبه تلویزیون پرتو با سلام زیجی ص ۴

— لجنزار نمایش ارباب جمهوری اسلامی

اعلامیه حزب حکمتیست ص ۲

— فراخوان به اعتصاب عمومی مردم کردستان در سی امین

سالگرد ۲۸ مرداد

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ص ۶

فرخوان به مردم شهر بوکان و حومه به مناسبت اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد

سلام زیجی، حسین مرادیگی
(حمه سور)، رحمان حسین زاده،
آرش حسینی، محمد سلطانی
(درزیولی)، محسن حسینی، ابوبکر
شریفزاده و یاسین حسینی ص ۱۰



به مردم آزادیخواه کردستان

حسین مرادیگی (حمه سور) ص ۷

از فراخوان به اعتصاب عمومی مردم کردستان در سی امین سالگرد ۲۸ مرداد حمایت کنید!

دو فراخوان با

دو پرچم متفاوت

علی مطهری ص ۵



به کارگران، جوانان و مردم آزادیخواه کامیاران ابراهیم باثمائی - پیمان حسینی ص ۱۱



فرمان حمله خمینی - بنی صدر به کردستان

محمد جعفری ص ۸

به مناسبت روز ۲۸ مرداد روز حمله جنایتکارانه جمهوری اسلامی به کردستان

(پیام به مردم مبارز و
آزادیخواه سقز و بوکان)

ابوبکر شریفزاده ص ۱۲

کارگران پوریس همراه با خانواده های خود در مقابل استاندارد کردستان دست به تجمع اعتراضی زدند ص ۱۰



پیام به مردم شهر بانه و حومه!

هلاله طاهری ص ۱۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری

Support the general strike in Kurdistan!



۲۸ مرداد (اسلام)، سی امین سالگرد صدور فرمان خمینی برای حمله به کردستان است. این فرمان، اعلان جنگ ضدانقلاب بورژوازی متکی به توحش اسلامی با هدف سرکوب قهرآمیز انقلاب ۵۷ در کردستان و سراسر ایران بود. ۲۸ مرداد ۵۸ شروع رسمی و عملی جنگی است که طی سه دهه حیات تنگن جمهوری اسلامی با اقدامهای دسته جمعی، با کشتار مردم شهرها و روستاهای کردستان و با میلیتاریزه کردن فضای جامعه ادامه داشته و همچنان در نهایت وحشیگری ادامه دارد.

این اعتصاب، برای نشان دادن اتحاد ما در محکوم کردن بورش ۲۸ مرداد جمهوری اسلامی و برای گرامیداشت همه قربانیان آن است. این اعتصاب ارج گذاشتن به مقاومت تاریخی پرافتخار و ایستادگی قطعه در برابر بورش وحشیانه رژیم، ارج گذاشتن به خاطره عزیزچشماختگان و مبارزان قهرمان و نشانگر این سه دهه تیره است. این اعتصاب همچنین در شرایط سیاسی امروز نماد اعتراض به کشتار و سرکوب مردم توسط ماشین سرکوب جمهوری اسلامی در یک صفت مستقل از "جنبش سبز" و مدافعان رنگارنگ آن است.

روز ۲۸ مرداد ۸۸

باید مراکز کار، ادارات، بازار و همه مکانیسم های سوخت و ساز جامعه در کردستان تعطیل شود!

فراخوان حمایتی کمونیستها و آزادیخواهان در کردستان از اعتصاب عمومی مردم کردستان در ۲۸ مرداد ۸۸

۲۸ مرداد امسال سی امین سالگرد فرمان جهاد خمینی برای لشکرکشی به کردستان است، فرمان جنگ ضدانقلاب جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان و برای سرکوب کردستان انقلابی که آزادیخواهان ایران بدست به عنوان سنگر تداوم انقلاب مردم به آن چشم دوخته بودند.

بلافاصله پس از یورش سپاه پاسداران و ارتش و همه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به کردستان، کمونیستهای کردستان با اتکا به حمایت بی دریغ مردم، صف مقاومت پرشوری را چه در بعد تحرک اجتماعی و چه با مقاومت مسلحانه پر از فداکاری سازمان دادند. داستان تظاهراتها، تحصن ها و کوچ های تاریخی و ابتکارات اعتراضی کمونیستها و توده های مردم در شهر و روستاهای کردستان و داستان جنگهای انقلابی آنها و نیروی مسلح متعلق به جبهه کارگر و مردم زحمتکش جزء برگهای زرین مقاومت و مبارزه انقلابی مردمی است که هرگز حاضر به قبول حاکمیت یک رژیم بورژوا اسلامی قرون وسطایی نبوده است. این مقاومت و مبارزه در تمام سه دهه اخیر با همه فراز و نشیب آن بر متن یک مبارزه بیوقفه و پیگیر در راه تحقق آزادی و برابری، در راه ریشه کن کردن هر نوع تبعیض و در راه تامین و تضمین

حق مردم کردستان به تصمیمگیری درباره آینده سیاسی خود از طریق رای آزادانه خویش ادامه داشته است. در سی امین سالگرد آغاز یورش جمهوری اسلامی باید ارزش و اهمیت این مبارزه انقلابی و کمونیستی، و مقاومت و مبارزه توده مردم کردستان را پاس داشت. فداکاریها و قهرمانیهای این مبارزه انقلابی را ارج گذاشت، یاد جانباختگان را عزیز داشت، و مهمتر اینکه در دل تلاطم سیاسی دوره اخیر جامعه کردستان، بار دیگر صف اجتماعی قدرتمند و یکپارچه کارگران و آزادیخواهان و کمونیستها را در صحنه سیاست ایران به میدان آورد.

ما کمونیستها و آزادیخواهان کردستان افتخار داریم که از پیش کسوتان، سازماندهندگان و شرکت کنندگان در مبارزه انقلابی بوده ایم که گذشته و حال آن هنوز نقطه اتکای مبارزه آزادیخواهان کل جبهه آزادیخواهی مردم ایران است. تحولات یکماهه اخیر و عدم شرکت اکثریت قاطع مردم کردستان در نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی و مهمتر از آن عدم دنباله روی این مردم آگاه از جنبش سبز ارتجاعی مورد حمایت بخشی از ناسیونالیسم کرد، هشیاری بالای کارگران و مردم تشنه آزادی و جبهه چپ و کمونیست این جامعه را در تحولات طوفانی جامعه ایران نشان میدهد. ایستادگی هشیارانه این دوره مردم کردستان خود نشانه حرکت بسیار هدفمند و آگاهانه آنان است که کلیت جمهوری اسلامی، هر دو جناح آن و ماهیت بسیاری

تحرکهای ارتجاعی را میشناسند و به گوشت دم توپ این و یا آن جناح جمهوری اسلامی و مجیزگویان ناسیونالیست آن در کردستان تبدیل نمیشوند.

روز ۲۸ مرداد در سالگرد جنایات جمهوری

سازمان های سیاسی، احزاب چپ و کمونیست، فعالین و شخصیتهای کمونیست و آزادیخواه!

با ما همراه شوید تا در فعالیتی هماهنگ حضور نیروی توده مردم برای مبارزه ای متحد و انقلابی در بزرگداشت ۲۸ مرداد را تامین کنیم.

زنده باد آزادی، برابری
سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد اعتصاب عمومی مردم کردستان

تاکنون ۳۵۵ نفر از کمونیستها این فراخوان را امضا کرده اند. برای پیوستن به فراخوان و امضای آن به آدرس زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.gopetition.co.uk/online/29767.html>

لجنزار نمایش ارباب جمهوری اسلامی

اعلامیه حزب حکمتیست

روز دهم مرداد ماه نمایش محاکمه قریب به صد نفر از دستگیر شدگان رویدادها و اعتراضات اخیر در دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی آغاز گردید. شماری از چهره های شناخته شده از جناح اصلاح طلبان رژیم و بعلاوه دهها نفر از شهروندان دیگر را شامل میشود. مقدمات این دادگاه قبلا با شایعات بسیار از اعترافات و اقرارها چیده شده بود. صحنه دادگاه درست مطابق نقشه قبلی برای ایجاد ارباب و ترس جلوی انظار عمومی قرار گرفت.

نه خود رژیم، نه مردم، نه متهمان بخت برگشته، هیچ کس به مضمون اتهامات و به اقرارها و اعترافات نه باور دارند و نه پشتیبانی از آنها میکنند. خود رژیم هیچ اصراری بر پوشاندن فشار و شکنجه بر متهمان خود را ندارد. خاصیت این سناریو برای اینست که به جامعه تفهیم کنند در مقابل مقتضیات تداوم حیات رژیم، انسان و حقوق شهروندی و انسانی از پوچ، پوچ تر است. احکام آماده شده و در راه هم پرده دیگری از همین صحنه است. این رژیم

هر آنچه که مقاصد اربابش ایجاد کند به اجرا درخواهد آورد، همین و بس!

چند روز پیشتر دربهای بازداشتگاه مخوف کهریزک را باز کردند تا به مردم نشان دهند در بازداشتگاههای رژیم چه میگذرد. دهم مرداد ماه دادگاه انقلاب را از تلویزیون پخش کردند تا نشان دهند بیدگاهپاشان برای کسانی حتی از مهره های یکی از "بالهای نظامشان" که از دست شکنجه گران نجات یابد، چگونه است. این صحنه ها تداوم کشتار مردم معترض در خیابانها و تداوم حمله گله اوباش بسیج به کوی دانشگاه تهران است. این جمهوری اسلامی است و همیشه بدینگونه بوده است. همواره و از این شدیدتر

سرنوشت مردم آزادیخواه و متعرض و کسانی بوده که پایه های نظام را به خطر انداخته اند. در دادگاه اخیر با محاکمه سران جناح مقابل خود نشان میدهند که حتی عزیز دردانه های رژیمشان میتواند به کدام سرنوشت دچار گردند.

لجنزار نمایش ارباب جمهوری اسلامی در سراسر جهان و در انظار همه انسانهای شریف محکوم و نفرت انگیز است. این نمایش باید فوراً متوقف گردد. همه متهمان، همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد گردند. توان این جنایتکاران محاکمه و مجازات همه مراجع و عوامل دست اندرکار است. مردم ایران باید بخاطر بیاورند که کل این رفتار، دستگیریها، شکنجه، اقرار و مجازاتها جزو ذات و قوانین این حکومت بوده و هست. همه مقامات رژیم و از کل جناحهای رنگارنگ آن و از جمله کسانی از جناح مقابل که

امروز خود گرفتار آمده اند، در ایجاد این صحنه ها درگیر و دخیل بوده اند. هر ذره از نفرت امروز ما مردم خشمگین نباید به چیزی کمتر از سرنوشتی و خلع بد فوری کل رژیم اسلامی رضایت دهد.

نباید مرعوب شد، دوران قدرت نمایی رژیم در مقابل مردم، دوران نمایشات مسخره بسر آمده است. مردم با آگاهی، با سازمان انقلابی و مستقل خود میتوانند بسرعت بساط این جانپان در همه جناحها را در هم بپيچند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
یازدهم مرداد ۱۳۸۸ - دوم اوت ۲۰۰۹

تماس با ما:

دبیر کمیته کردستان

اسد گلچینی

agolchini@yahoo.com

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

اعتصاب عمومی، کیفر خواستی علیه کلیت جمهوری اسلامی

مظفر محمدی

۲۸ مرداد، سال روز حمله رژیم به کردستان با سرکوب انقلاب مردم و برقراری یک دیکتاتوری بورژوازی و مذهبی در ایران است. فراخوان اعتصاب عمومی در کردستان کیفرخواستی علیه این جنایت و علیه کلیت جمهوری اسلامی است. اعتصاب عمومی عکس العمل توده ای در مقابل جنایات رژیم است که در طول سه دهه و به وسعت جامعه ایران سازمان داده شده است. کارگران و مردم زحمتکش کردستان در این عکس العمل تاریخی میخوانند به جمهوری اسلامی بگویند که اگر چه سه دهه از این تاریخ میگذرد اما این جنایات را فراموش نکرده اند. رژیم را نبخشیده اند و هیچگاه سر تسلیم در مقابلش فرود نیآورده اند. مردم کردستان می خواهند بار دیگر و در سالروز یورش نظامی، به رژیم بگویند که بمباران شهرها و روستاها و کشتار جمعی و اعدام های صحرایی و بدون محاکمه از جانب نمایندگان خمینی از جمله خلخالی ها را فراموش نکرده و نخواهند کرد.

شرایط کنونی و اتفاقاتی که در جامعه ایران در جریان است، این اقدام انسانی و اعتراض توده ای را در کردستان دارای اولویت و اهمیت تاریخی کرده است. به این دلیل است که امسال بار دیگر کیفرخواست مردم علیه جمهوری اسلامی در سال روز یورش نظامی به کردستان در دستور قرار گرفته است.

انتخاباتی انجام شد و تحولاتی را به دنبال داشت که توجه همه مردم را به خود جلب کرده است. جناح حاکم مدعی است که صاحب بیش از بیست میلیون رای مردم است و جناح دیگر رژیم مدعی است که بیش از ده میلیون رای مردم را دارد. صرف نظر از چند و چون این نمایش مسخره و ادعاهای هر کدام از جناح های رژیم، جنبشی پا به میدان گذاشته که مدعی دفاع از حقوق و آزادی مردم است. اکنون با توهم و فریب و ریاکاری هایی مواجهیم که بر فراز جامعه ایران گسترده شده و متأسفانه نیروی قابل توجهی را پشت سر خود بسیج کرده است. انسانیت به همه حکم می کند که در مقابل این فریب و توهم و تبدیل کردن بخشی از مردم به سیاهی لشکر جناحی از رژیم به نام جنبش سبز باید ایستاد. یک وجه اعتصاب عمومی در کردستان ارسال این پیام به جامعه است. اعلام این واقعیت است که رهبران این جنبش جناحی از خود رژیم و مریدان و همکاران خمینی فرمانده کل قوا و صادر کننده فرمان حمله به کردستان اند. راه مردم کردستان از ایران جدا نیست. این اعتصاب همچنان کیفر خواستی علیه جنایات رژیم در سالهای ۶۰ و بعد از آن و به اعدام های چند ده هزار نفری کمونیست ها، فعالین کارگری و چپ و مردم آزادیخواه ایران است. اعلام جرم به رژیمی است که کارگران خاتون آباد را فقط به خاطر درخواست حقوق معوقه شان، به گلوله بست. اعلام جرم به رژیمی است که تهاجم وحشیانه به کوی دانشگاه و جنایت ۱۸ تیر را سازمان داد. قتل های زنجیره ای علیه مخالفین را مرتکب شد. سندیکاها

و اتحادیه های کارگری را ممنوع و فعالین کارگری را شکنجه کرد، شلاق زد، اخراج و یا روانه زندان ها نمود. دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را سرکوب کرد، رهبران و فعالین شان را تا حد مرگ شکنجه و سرانجام آزادیشان را به وثیقه های کمرشکن و خانه خراب کن مشروط کرد. زبان رهبران کارگری را برید و خفه شان کرد. این اعتصاب اعتراض به کشتارهای اخیر و دستگیری و شکنجه جوانان و در بند نگه داشتن زندانیان سیاسی و برای آزادی آنهاست.

اعتصاب عمومی مردم کردستان، اعتراض عمومی به بیکاری و فقر و فلاکت و گرانی و گرسنگی و اعتیاد و فحشا در جامعه ایران است. اعتصاب و اعتراض عمومی مردم کردستان یعنی همه این ها. به این اعتبار این اعتصاب و اعتراض فقط یک آکسیون عادی نیست. هر کاری که در سالروز حمله به مردم کردستان به فرمان خمینی فرمانده کل قوا و رهبر جمهوری اسلامی انجام شود، این معنای گسترده را در بر دارد. و باز به این اعتبار اعتصاب و اعتراض عمومی مردم کردستان امری تنها مربوط به مردم کردستان نیست. جبهه ای و صف بخشی از میلیون ها شهروند کارگر، زحمتکش، معلم، پرستار، کارمند و کاسبکار در سراسر ایران است و می بایست مورد حمایت طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش و آزادیخواهان کل جامعه ایران قرار گیرد. همزمان، تصمیم به اعتراض و اعتصاب عمومی در کردستان پیامی به رهبران جنبش سبز و اعوان و انصارشان است که همگی آنها در جرم جنایات رژیم شان علیه کارگران، دانشجویان، زنان و مردم زحمتکش و در تهاجم وحشیانه رژیم اسلامی به مردم کردستان شریک اند. پیامی به همه دشمنان مردم است که اکنون لباس دوست به تن کرده و به همدردی و همدلی با مردم تظاهر میکنند. پیامی است به خاتمی، رفسنجانی، کروبی و موسوی ها و حامیانشان که همه آنها پاره تن این رژیم اند و در مقابل همه جنایات رژیمشان مسئول و جوابگو هستند. پیامی به موسوی است که اکنون به عنوان سمبل "آزادیخواهی" جلو افتاده است تا مردم را بار دیگر مثل سلف خود، خاتمی و دیگران، بفریبد. پیامی است به اینها و سئوالی است که، مگر آقایان از همه کرده ها و جنایات رژیم شان پشیمان شده اند؟ مگر از کارگران و زنان و مردم زحمتکش تقاضای بخشش کرده اند؟ مگر در دادگاه های عادلانه کارگران و مردم حضور یافته و حکم برائت شان صادر شده ؟

پیامی است به رهبران جنبش سبز که اگر فکر می کنند رای های انتخاباتی به معنای حکم برائت شان است، سخت در اشتباهند. طبقه کارگر، زنان اسپر آپارتاید جنسی و جوانان بیگار و بی افق و آرزومند زندگی مرفه و شاد و مردم داغ دیده و قربانی داده در نتیجه یورش نظامی و توپ و بمب باران و جرم به وجب این نقطه از کشور، نمی خواهند تاوان فریب خوردگان نمایش انتخاباتی آنها را پس بدهند. این عوامفریبی ها هیچ مشروعیتی به جناحی از رژیم علیه جناح دیگر نمی دهد و بار گناهانشان را سبک نمی کند. این ها همگی از خمینی تا خامنه ای و احمدی نژاد و رفسنجانی و خاتمی و کروبی و موسوی در یک به یک جنایات رژیم شان شریکند. رهبران جنبش سبز قبل از اینکه منشأ خیر و اثری برای مردم باشند، عامل تفرقه در صفوف مردم و کشاندن بخشی از آن به صف حامیان و ناجیان رژیم اسلامی اند. این ها به جای اینکه مورد حمایت و توهم قرار گیرند، سزاوار محاکمه و مجازات اند. اعتصاب و اعتراض عمومی در

- به سوی اعتصاب و اعتراض توده ای در کردستان
- به سوی تعطیل کسب و کار در سالروز ۲۸ مرداد
- به سوی حمایت میلیونی و سراسری از اعتصاب عمومی در کردستان

- به سوی ایجاد صفی انسانی و مستقل از صف دشمنان
دروغین مردم در سراسر ایران

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی

در مورد اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد مردم کردستان

مصاحبه تلویزیونی پرتو با سلام زیجی

تلویزیون پرتو: گفت گو امروز ما با سلام زیجی از شخصیت‌های کمونیست و سرشناس کردستان و شهر بوکان و مسئول گارد آزادی اختصاص دارد. سوال اول این است که چرا جمهوری اسلامی در بیست و هشت مرداد به کردستان حمله کرد و چرا ضروری است امسال مردم به این مناسبت دست به اعتصاب عمومی بزنند.

سلام زیجی: همچنانکه همه مطلع هستند حمله 28 مرداد 58 ابتدا به ساکن نبود. این حمله در بطن یک رویداد مهم و بزرگ سیاسی در آن مقطع به وقوع پیوست. رویداد انقلاب 57 که در آن مردم ایران یک نظام سرکوبگر پادشاهی را سرنگون کرده بود و مردم کردستان نیز در این رویداد مهم و انقلابی دوش بدوش مردم ایران شراکت داشته و در پیروزی آن سهیم بودند. این انقلاب به وسیله خمینی و جریان مرتجع اسلامی و حمایت کشورهای غربی به خون کشیده شد و بدلائل زیادی که اکنون فرصت بررسی آن نیست این جریان توانست قدرت را در دست بگیرد و برای سرکوب انقلاب کنندگان و آزادیهای بدست آمده به کشتار و جنایت روی آورد. حمله بیست و هشت مرداد سال پنجاه و هشت حمله نظامی به یکی از آن حلقه های مهم دستاوردهای انقلاب پنجاه و هفت بود که جمهوری اسلامی برای سرکوب و باز پس گیری آن بر علیه آن به لشکر کشی نظامی متوسل شد.

در کردستان بر عکس اکثر نقاط دیگر ایران در جریان انقلاب پنجاه و هفت تمام ارگانهای سرکوب و دولتی نظام سلطنتی منهدم شد و قدرت تماماً بدست مردم و اپوزیسیون افتاد. از این رو جمهوری اسلامی فاقد قدرت بود و از نظر کل جامعه ایران کردستان همچون سنگر مقاومت و تداوم انقلاب پنجاه و هفت بحساب میامد. در آن دوره به دلیل وجود آزادیهایی که مردم داشتند و رشد گسترده کمونیسم در کردستان نه تنها صف آزادیخواهی و کارگری در کردستان رشد کرد و قدرتمند شد که این پیشرفت بر کل جامعه ایران نیز تأثیرات مهمی گذاشت. در آن دوره مردم کردستان و کارگران و صف آزادیخواهان آزادی را تجربه کردند، انواع تشکل توده ای را سازمان دادند و احساس هم سرنوشتی با همه آزادیخواهان ایران و زندگی بدور از ترس و سرکوب و جنایت و زندان و اعدام حکومت مرکزی و جریان اسلامی را برای خود پرارزش و پر دست آورد میدانستند. عمر این تجربه در بقیه ایران کمتر بود. جمهوری اسلامی موقعیت مستقل و آزادیخواهی را در کردستان برای خود به عنوان یک مانع بزرگ و یک خطر جدی ارزیابی میکرد. این موقعیت حتی دست سرکوب رژیم را در بقیه ایران را نیز بدرجه زیادی کوتاه کرده بود. جنایت و کشتار خرداد شصت و به ویژه کشتار زندانیان سیاسی سال شصت و هفت بعد از پیشرویهایی نظامی رژیم در کردستان و سپس جنگ ایران و عراق ممکن گردید. ارتجاع تازه بقدرت رسیده اسلامی به رهبری

خمینی برای تداوم سرکوب صف انقلابیون در ایران به سرکوب مردم کردستان نیاز داشت. تصمیم گرفت به این حلقه مهم و یکی از سنگر های نیرومند آن انقلاب حمله کند و دستور حمله بیست و هشت مرداد سال پنجاه و هشت قبل از هر چیز به این منظور صورت گرفت. باید یاد آور شد که جمهوری اسلامی در این حمله تنها نبود. حزب توده مردم کردستان را "پالیزبانی" و "نوکر امریکائی" خواند و سازمان فدائیان اکثریت خواهان مسلح کردن سپاه به سلاح سنگین شد، بنی صدر گفت پوتینها را از پا در نیارید تا کردستان را سرکوب نکنید، مفتی زاده ایها و کل طیف "دو خردادی"ها و "بیست و دو خردادی" های سبز رنگ امروز در راس این حمله و در صف مقدم جبهه سرکوب مردم بودند با همراهی شاخه کردی-اسلامی آن، یعنی پیشمرگان مسلمان و حتی در مواردی قیاده موقت نیز در کشتار مردم کردستان و بمب باران و توپ باران و تصرف شهرها و روستاها نقش مهمی برای خمینی جنایتکار و حکومت اسلامی ایفا کردند. این حمله گسترده و وحشیانه با مقاومت قهرمانانه مردم کردستان روبرو گردید. در صف مقدم این مقاومت ما کمونیستها و آزادیخواهان قرار داشتیم که در کومه له قدیم در ابعاد وسیع مبتکر سازماندهی و رهبری یک مقاومت و مبارزه رادیکال و انقلابی بودیم. تجمعات اعتراضی و کوچ و تحصن تا سازماندهی مقاومت مسلحانه توده ای را سازمان دادیم. جمهوری اسلامی از راه کشتار و خانه خرابی و آواره کردن مردم شهر و روستا توانست کردستان را تصرف کند اما هر شهر و روستا که مورد حمله نظامی هوایی و زمینی قرار میگرفت به گورستانی برای جمهوری اسلامی تبدیل میشد. کردستان را تصرف نظامی کردند اما هیچگاه نتوانستند روحیه مبارزاتی مردم آزادیخواه را در هم بکوبند و جامعه انقلابی و کمونیسم در کردستان کماکان خطر بزرگی است برای جمهوری اسلامی.

امروز به مناسبت سی سالگرد آن حمله ضروری است یک بار دیگر این حمله را محکوم کرد. یاد قربانیان آن را گرامی داشت. در شرایط کنونی بر علیه همه جناحهای رژیم یک بار دیگر صف آرای روشن و مستقل خود را نشان داد. این سنگر انقلابی را همچنان انقلابی و سرخ درخشاند و تا سرنوشتی کلیت این رژیم فاسد و جنایتکار به راهش ادامه خواهد داد و هیچ ترفندی قادر نخواهد شد اهداف و خصلت انقلابی و رزمنده آن را از مسیر خود خارج کند. تاریخ در ایران محروم کنند.

پرتو: حزب کمونیست امسال به مناسبت سالگرد بیست و هشت مرداد در کردستان اعتصاب عمومی فراخوان داده است پیام شما به مردم کردستان و مردم شهر بوکان در این رابطه چیست؟

سلام زیجی: هر سال لازم است به این مناسبت مردم کردستان عکس العمل از خود نشان دهد. جمهوری اسلامی را محکوم کنند. یاد دهها هزار عزیز جانبخته و فداکار میدانهای نبرد سیاسی و مسلحانه را گرامی بدارند و عزم خود را برای سرنوشتی کلیت جمهوری اسلامی تجدید نمایند. اما بیست و هشت مرداد امسال همزمان شده با یک واقعه مهم سیاسی در ایران. رویدادی که در پی نمایش انتخابات ریاست جمهوری پیش آمده و در آن شاهد تعمیق اختلافات سران و جناهای اصلی و جنایتکار رژیم هستیم. در این جریان متأسفانه بخشهایی از مردم نیز تحت تأثیر این بازی و

جنگ قدرت خود جناحهای رژیم قرار گرفتند. در کردستان نیز تقریباً همه نیروهای قومی و ناسیونالیست در داخل و خارج رفتند پشت کروی و موسوی یا بعضاً طرف احمدی نژاد را گرفتند. خوشبختانه مردم کردستان به آنها پاسخ منفی دادند و این نقطه قدرت بزرگ و روشن بینی صف آزادیخواهی را در کردستان نشان داد و باید این فضای انقلابی و ضد همه جناحهای حکومت اسلامی را تداوم داد و تقویت کرد. کل این روند و اوضاع سیاسی امروز ایران بنظر من جایگاه بسیار ویژه تری به سالگرد بیست و هشت مرداد امسال در کردستان داده است. مهمترین این ویژگی این است که مردم با اعتصاب عمومی خود در این شرایط خاص نشان خواهند داد که همچنان مخالف کلیت این رژیم با هر دو جناحش میباشند. میتوان با پیروزی اعتصاب عمومی الگوی ایجاد سنگر بندی و ایجاد صف متحد و مستقل کمونیستی، انقلابی و آزادیخواهانه را در مقابل همه از جمله در صف آرای با جمهوری اسلامی و کلیه جناح های امروز آن قرار داد. اعتصاب عمومی امسال در این شرایط پاسخ روشن به شرایط سیاسی کنونی در ایران و کردستان است و برای تداوم مبارزه آزادیخواهانه طبقه کارگر و خواست سرنوشتی انقلابی حکومت اسلامی در کردستان و ایران بسیار ضروری است.

پیام اصلی من به مردم کردستان و همچنین آزادیخواهان شهر بوکان ایجاد چنین صف بندی است در مقابل کلیت رژیم. مردم کردستان با اعتصاب عمومی خود و تعطیل کردن تمام دکان و بازار و محل کار خود باید نشان دهند همان آزادیخواهانی هستند که سی سال پیش بر علیه حمله و کشتار وحشیانه جمهوری اسلامی در تمام شهرها و روستاها به مقاومت و قهرمانی فراموش نشدنی دست زدند. با تعطیل کردن کل سوخت و ساز جامعه باید روشن اعلام کرد که سرنوشتی کامل این سیستم آثمکنی را دنبال میکنند، هیچگاه به هیچ جناحی از رژیم چشم امید ندوخته و نخواهند بست و هر نیرویی که دنبال یکی از جناحهای رژیم بیفتد طرد خواهند کرد. در این مقطع این میتوان پیام مهم مردم کردستان و خصلت آزادیخواه و انقلابی و مبارزاتی آنها برای کل جامعه ایران باشد و اعلام خواهد کرد که در راه سرنوشتی کلیت این رژیم با همه آزادیخواهان و کارگران ایران همچنان متحد و در یک صف مستقل و همسرنوشت قرار دارد. با اعتصاب عمومی مستقل خود اعلام خواهد کرد آنچه امروز حول موسوی در ایران در جریان است متعلق به خود و صف مردم متفکر ایران از حاکمیت جمهوری اسلامی نمیداند. خواهان مبارزه مستقل با رژیم است. و جنگ قدرت درونی بخشهای بورژوازی آن حکومت نمیتواند و نباید ما را از مسیر مبارزه متحدانه سی ساله برای سرنوشتی این فاشیسم به بیراهه ببرد. معنی سیاسی و عملی یک اعتصاب عمومی امروز در کردستان دقیقاً این پیامها و اهداف درست را در بر خواهد گرفت. نباید طبقه کارگر و آزادیخواهان جامعه کردستان خود را از ایفا این نقش تاریخی در ایران محروم کنند.

پیام و درخواست جدی من و هر کمونیست و انسان آزاده ای از همه آزادیخواهان جامعه کردستان این است که با ممکن کردن اعتصاب عمومی سی امین سالگرد حمله به کردستان و گرامی داشت قربانیان بیشمار آن و همچنین آن نقش و خصلت مبارزاتی انقلابی خود را در مقابل همه جناحهای رژیم را به اجرا در آورند. این نقش مهم را که برای دوره ای طولانی صف متحد و مستقل آزادیخواهان را به جلو میرود باید مورد توجه و تلاش جدی هر کمونیست و کارگر و انسان مبارزی در آن جامعه قرار گیرد. توجه نسل جوان به حقایق رویداد بیست و هشت مرداد و ایفا نقش در به اجرا در آوردن کامل این اعتصاب و تقویت روحیه و آگاهی انقلابی و کمونیستی و آزادیخواهانه در شرایط کنونی بسیار حیاتی است. جوانان انقلابی را به پیشبرد این امر و ایفا این نقش مهم فرا میخوانم.

دو فراخوان با دو پرچم متفاوت

علی مطهری

کرد در راستای متوهم کردن مردم کردستان با این پرچم حرکت کرد. در این مدت آنها در همراهی با کربوبی و موسوی رژه رفتند و تلاش نمودند سرنوشت مردم کردستان را نیز به این موج گره بزنند. مردم کردستان این بار نیز، بنا به تجربه و تفرشان از کلیت رژیم دست رد به سینه ناسیونالیست ها زدند و آنها را در خماری همیشگی شان در رابطه با چراغ سبز نشان دادن به جناح سبز رژیم فرو بردند. احزاب ناسیونالیستی همیشه انگشت حیرت به دهان، منتظر شفتت رژیم و انداختن گوشه چشمی به این ناسیونالیسم کم بهره از فوق سود کارگران هستند. اما هر بار متعجب و ناامید از بی لطفی رژیم نسبت به خود، مجددا منتظر فرج دیگری در شکاف حکومتی میمانند. بدنبال، بنا به مصلحت روز یکی از جناح ها را انتخاب میکنند. فعلا بخشی از آنها منفعت خود را در

همراهی با موسوی و جناحش تشخیص داده اند. ناسیونالیسم کرد در سی سال گذشته در هیچ موردی نماینده رادیکالیسم مردم نبود و همیشه نقش ترمز در مبارزه مردم کردستان را بازی کرده است. قایم شدن پشت اعتراض و مبارزه مردم و معامله با آن به امری نهادینه در حزب دمکرات کردستان و جیش ناسیونالیستی تبدیل شده است. یاد آوری پراتیک سه دهه گذشته این ها، عنصر آگاه جامعه را متوجه بی لیاقتی و عدم کارایی این جریان و شخصیت هایش مینماید. و صحت قضاوت کمونیستها را خاطر نشان می کند.

فراخوان امروز نیز از جانب جمعی از شخصیت های ناسیونالیست، جهتش اعتراض و مبارزه رادیکال علیه حکومت نیست. بلکه دعوت به عزاداری و ماتم در راستی اظهار وجود کردن برای اسلام سبز موسوی است. در شرایط عادی این فراخوان میتواند شکلی از اعتراض باشد با رنگ مذهبی، که با توجه به اینکه توصل به مذهب نرم همیشگی فعالیت ناسیونالیستها است احتمالا زیاد جلب توجه نکند. در شرایط متحول فعلی، دعوت به عزای عمومی هم سویی و همراهی با موسوی و کربوبی است که شیبادانه برای در توهم نگاه داشتن مردم، با سر زدن به خانواده های های داغ دیده و شرکت در مراسم های عزاداری، مشغول بالا بردن و جبهه خود هستند. خط سیاسی ناسیونالیسم بر مبنای این معادلات کاسب کارانه اتخاذ میشود و فراخوان به عزاداری نیز با در نظر گرفتن این معادلات صورت گرفته است.

برای ما کمونیست ها، تلاش رادیکال برای سرنگونی جمهوری اسلامی، احترام و دلجویی از تمامی خانواده های داغ دیده رویداد اخیر، گرمی داشت مقاومت و ایستادگی مردم در ۲۸ مرداد ۵۸ و یاد عزیزانی که توسط جلادان اسلامی اعدام شدند، محسوب میشود.

اعتصاب عمومی در شرایط کنونی راهی جدا از اسلام سبز موسوی و اعتراض علیه هر دو جناح، در محکوم کردن کلیت رژیم جانپان اسلامی است، این حرکت میتواند پیام آور امکان مبارزه مستقل از جناح بندی های حکومتی به مردم ایران باشد و اعتماد به نفس آنها را جهت جدا کردن صف خود و در دست گرفتن پرچم اعتراض رادیکال را بالا ببرد.

کمونیستهای کردستان از همان روزهای اول شکل گیری جمهوری اسلامی و پاشیدن رنگ کدر و ملال آور اسلام به خواست و مطالبات رادیکال مردمی که برای آزادی و رفا پیا خاسته بودند، به افشای این رژیم پرداختند و قاطعانه تا امروز (نه) محکمی به این تحفه ارتجاعی و دست ساز آمریکا و غرب، که جهت سرکوب کمونیستها و آزادی خواهان مهیا شده بود، گفتند، و مقاومت جانانه ای را در مقابل هجوم وحشیانه حکومت اسلامی سازمان دادند. ۲۸ مرداد ۵۸ این (نه) جنبه وسیع اجتماعی در کردستان ایران بخود گرفت و به سر آغاز دخالتگری اجتماعی کمونیست ها و فاکتور مهمی در اجتماعی شدن آنها تبدیل شد.

۲۸ مرداد ۵۸ خمینی فرمان حمله به کردستان را صادر کرد، مردم مقاومت و ایستاده گی بی نظیری در مقابل حکومت فاشیستی جمهوری اسلامی از خود نشان دادند. از آن تاریخ سنت اعتراض و مقاومت علیه رژیم سرمایه داری اسلامی به یک روش عمومی و قاعده اجتماعی تبدیل شد و زمینه شناخت همه جانبه از جمهوری اسلامی را از همان بدو تولدش برای مردم کردستان فراهم نمود. از آنوقت تا امروز کلیت نظام اسلامی مورد تفر و اعتراض برحق عمومی قرار دارد و این رژیم در ذهنیت و پراتیک کارگران و مردم مبارز، در طول سی سال گذشته تا امروز رسمیت نیافته است.

بدنبال سرکوب مقاومت چند هفته ای مردم کردستان، یکی از جلادان منفور و کثیف اسلامی بنام خلخالی با فرمان حکومت، مامور اعدام های دسته جمعی و بدون محاکمه و یا محاکمه صحرائی چند دقیقه ای، صدها کمونیست و آزادی خواه در نقاط مختلف کردستان شد. این عمل شنیع و غیر انسانی و این جنایت فاشیسم اسلامی موج تنفر از حکومت خدا و سرمایه را از کردستان به بخش های دیگر ایران نیز منتقل نمود و افشای جنایت رژیم در کردستان، توسط کمونیستها و آزادیخواهان تهران و تعدادی از شهرهای دیگر ایران که هنوز رژیم نتوانسته بود بر آنها تسلط کامل پیدا نماید، بگوش مردم رسید و همبستگی نیروهای کمونیست و آزادیخواه سراسری را در دفاع از کارگران و مردم کردستان و محکوم کردن جنایت رژیم افزایش داد.

امروز با گذشت سی سال از آن تاریخ، امواج تنفر از جمهوری اسلامی، سراسر ایران را در بر گرفته، دیگر این لکه ننگ برای اکثریت مردم ایران قابل تحمل نیست و مردم در تلاش برای یافتن راهی، هر روز بدری سر می زنند و امروز در غیاب دستیابی به جریانی سرخ که امیال آنها را نما بندگی کند، بدنبال جریانی راه افتاده اند که هیچ ربطی به خواست بر حق و انسانی آنها ندارد. حرکت وسیع مردم، نه با پرچم رادیکال رهایی از کلیت رژیم سرمایه داری اسلامی، بلکه متوهم به جناح سبز حکومت به خیابان آمدند. بخشی از ناسیونالیسم

زنده باد هویت انسانی!
نه قومی، نه مذهبی



شویونیستی را برافراشتند، بسیار حیاتی است که در اوضاع پیچیده و پرتحول امروز بار دیگر پرچم تعرض مستقل طبقه کارگر علیه هر دو جناح سرمایه دار حاکم را برافرازند و اعلام کنند که هیچ کارگری و هیچ انسان آزادیخواهی نباید به سیاهی لشکر "جنبش سبز" یک جناح یا به مهره ماشین سرکوب و خفقان جناح دیگر و به گوشت دم توپ جنگ آنها بدل شود. حضور اجتماعی و سیاسی یک سنت قوی کمونیستی و آزادیخواهانه در کردستان، اهرم قدرت نیرومندی برای طبقه کارگر و کمونیسم در سراسر ایران است. با تلاش پیگیر در راه آگاه کردن و متحد کردن وسیعترین توده های مردم کردستان برای برپائی اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد، باید این اهرم به زانو در آوردن جمهوری اسلامی را نیرومندتر کنیم.

احزاب و شخصیت‌های چپ و آزادیخواه کردستان!

حمایت بیدریغ از اعتصاب عمومی در کردستان در سی امین سالگرد ۲۸ مرداد، و تلاش برای برپائی هرچه فراگیرتر و موثرتر آن، وظیفه مشترک هر مبارز چپ و آزادیخواهی است که در این مقاومت سی ساله پرافتخار مستقما شرکت داشته و یا با حمایت از آن بحق در این افتخار شریک بوده است. ایجاد همجتهی و هماهنگی با هدف هرچه باشکوهتر برگزار کردن این اعتراض عمومی، و بویژه تلاش برای مستقل نگهداشتن آن از هر شکل دنباله روی "جنبش سبز" یک جناح رژیم، وجه مشترک نیروهای چپ و آزادیخواه در تمایز از همه جریاناتی است که در دوره اخیر زیر پرچم سبز رفته اند.

کارگران و مردم آزادیخواه سراسر ایران!

مبارزه آزادیخواهانه مردم کردستان همیشه جزء جدانشدنی مبارزه سراسری ما در ایران برای رهائی از جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری بوده و هست. همچنانکه دفاع از مقاومت و مبارزه مردم کردستان علیه لشکرکشی جمهوری اسلامی، علیه کشتارها و اعدامهای جمعی رژیم در کردستان و علیه میلیتاریزه کردن فضای جامعه کردستان، در سی سال گذشته یک سنت انقلابی و یک شاخص آزادیخواهی در سراسر ایران بوده است. باید با حمایت گرم از اعتصاب عمومی مردم کردستان در سالگرد ۲۸ مرداد، این سنت همبستگی و این همسرنوشتی تعیین کننده را هرچه بیشتر تقویت کنیم.

زنده باد آزادی و برابری!

پیروز باد اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد در کردستان!

پیروز باد مبارزه آزادیخواهانه مردم کردستان!

نابود باد جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اول مرداد ۱۳۸۸ - ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۹

فراخوان به اعتصاب عمومی مردم کردستان در سی امین سالگرد ۲۸ مرداد

۲۸ مرداد امسال، سی امین سالگرد صدور فرمان خمینی برای حمله به کردستان است. این فرمان، اعلان جنگ ضدانقلاب بورژوازی متکی به توحش اسلامی با هدف سرکوب قهرآمیز انقلاب ۵۷ در کردستان و سراسر ایران بود. ۲۸ مرداد ۵۸ شروع رسمی و عملی جنگی است که طی سه دهه حیات ننگین جمهوری اسلامی با اعدامهای دسته جمعی، با کشتار مردم شهرها و روستاهای کردستان و با میلیتاریزه کردن فضای جامعه ادامه داشته و همچنان در نهایت وحشیگری ادامه دارد. پس از صدور فرمان خمینی، قطب چپ و کمونیست جامعه کردستان که پرچم دفاع از آزادی و انقلاب را در دست داشت، بلافاصله و بی اما و اگر پرچم مقاومت انقلابی علیه جنگ ضدانقلابی خمینی را برافراشت و توده وسیع کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان را در یک صف مبارزه سیاسی و مسلحانه نیرومند در برابر ارتجاع اسلامی گرد آورد، سازمان داد و رهبری کرد. این افتخار بزرگی در تاریخ کمونیسم معاصر است و شایسته آن است که کارگران آگاه و کمونیستهای انقلابی، نه فقط در کردستان و سراسر ایران بلکه در هر جای جهان، آن را ارج بگذارند و قهرمانی هزاران کمونیست و آزادیخواهی را که در طول این نبردهای پرافتخار جان باخته اند و فداکاری کرده اند گرامی بدارند.

مردم آزادیخواه کردستان!

حزب حکمتیست، شما را به اعتصاب عمومی در ۲۸ مرداد ۸۸ سی امین سالگرد حمله به کردستان فرا می خواند. این اعتصاب، برای نشان دادن اتحاد ما در محکوم کردن پورش ۲۸ مرداد جمهوری اسلامی و برای گرامیداشت همه قربانیان آن است. این اعتصاب ارج گذاشتن به مقاومت تاریخی پرافتخار و ایستادگی قاطعانه در برابر یورش وحشیانه رژیم، ارج گذاشتن به خاطره عزیز جانباختگان و مبارزان قهرمان و فداکار این سه دهه نبرد و زنده نگهداشتن روح قهرمانی و فداکاری در راه تحقق آزادی و برابری، در راه ریشه کن کردن هرگونه تبعیض و در راه تضمین حق مردم کردستان به تصمیمگیری درباره آینده سیاسی خود از طریق آراء آزادانه خویش است. این اعتصاب همچنین در شرایط سیاسی امروز نماد اعتراض به کشتار و سرکوب مردم توسط ماشین سرکوب جمهوری اسلامی در یک صف مستقل از "جنبش سبز" و مدافعان رنگارنگ آن است. در اوضاع متحولی که دو جناح رژیم اسلامی بر سر سهم خود از قدرت بجان هم افتاده اند، باید یک بار دیگر، شفافتر و رادیکالتر از همیشه، بر عزم خود به تداوم مبارزه تا برچیدن کلیت رژیم اسلامی تاکید کنیم. این اعتصاب الگویی برای هر کارگر و زحمتکش معترض است که نیروی اعتراض خود را با پرچم آزادیخواهی و در تقابل کامل صف مستقل خود علیه پرچمهای سبز و سیاه هر دو جناح جمهوری اسلامی، به حرکت در آورد.

روز ۲۸ مرداد ۸۸ باید مراکز کار، ادارات، بازار و همه مکانیسمهای سوخت و ساز جامعه در کردستان تعطیل شود. رهنمودهای عملی برای تضمین موفقیت هرچه بیشتر اعتصاب عمومی، در بیانیه ها و اطلاعیه های بعدی به اطلاع عموم خواهد رسید.

کارگران! زحمتکشان! کمونیستهای کردستان!

اعتصاب عمومی در سالگرد ۲۸ مرداد، عرصه مهمی از مبارزه سیاسی امروز ما، در ادامه سی سال مقاومت و مبارزه علیه جمهوری اسلامی است. برای صف وسیع کمونیستها در کردستان که سی سال پیش پرچم پرافتخار مقاومت انقلابی و توده ای علیه آن لشکرکشی فاشیستی و

به مردم آزادیخواه کردستان

حسین مرادیگی (حمه سور)

کارگران، مردم آزادیخواه کردستان!

اطلاع دارید که سی امین سالگرد 28 مرداد، روز فرمان یورش خمینی به مردم کردستان که باید به حق آن را روز مقاومت در مقابل جمهوری اسلامی نامید، نزدیک است. فراخوان به اعتصاب عمومی در این مورد مطرح است و شهرهای کردستان باید در حال آماده کردن خود برای تبدیل کردن این روز به روز اعتراض به کشتارهای جمهوری اسلامی باشند.

در ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۸ خمینی فرمان یورش به مردمی را صادر کرد که چیزی جز دست آوردهای انقلاب یعنی آزادی و رفاه و عدالت اجتماعی نمی خواستند. جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در شهر سنندج، تشکلهای و تجمعات کارگری، کوچ تاریخی مردم مریوان و راهپیمایی های متعدد مردم در آن روزها، نمونه های گویایی بودند از تلاش مردم کردستان برای رسیدن به این خواستها. فرمان یورش خمینی به مردم کردستان، فرمان ضد انقلاب بورژوازی به قدرت رسیده بود برای خفه کردن آزادی و انقلاب در سراسر ایران و ادامه بی حقوقی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ای که سرکردگان حکومت سابق دیگر قادر به تحمیل آن بر مردم و جامعه ایران نبودند.

روز 28 مرداد در عین حال روز سازمان دادن مقاومت توده میلیونی کارگران و زنان و جوانانی بود که بطور خستگی ناپذیری در ایجاد تشکلهای کارگری، در تحصن ها و راهپیمایی ها و در سنگر بندهای مقاومت علیه یورش خمینی به مردم شهرهای کردستان شرکت داشتند. این روز یادآور جوخه های مرگ خلخالی، یادآور قتل عام های دسته جمعی مردم بی دفاع در "فارنا و قلاتان" و یاد آور 24 روز جنگ سنگر به سنگر در شهر سنندج و دیگر میدانهای مقاومت در مقابل توحش افسار گسیخته جمهوری اسلامی است.

یاد هر ساله این روز در اعتراض به جمهوری اسلامی جای قدردانی است. اما امسال و وقایع و

رویدادهای سیاسی اخیر به ما میگویند که باید در این روز کار دیگری کرد.

مردم آزادیخواه!

این روزها ما با دو واقعه در فضای سیاسی ایران روبرو هستیم. یکی مبارزه و اعتراض برحق مردم معترض به جمهوری اسلامی و دیگری قالب و رنگ و افقی است که با کلاه برداری بزرگی به اعتراض و مبارزه برحق این مردم زده اند. این روزها ما طیف وسیعی از قربانیان جمهوری اسلامی را که خود از ابتدائی ترین حقوق مدنی محرومند می بینیم که مجددا و این بار زیر پرچم سبز اسلامی، دور شکنجه گران و قاتلین دیروز و امروز خود حلقه زده اند و برایشان هورا میکشند. "تلاش بی وقفه" آنها را در داخل و خارج کشور شاهدیم که چگونه با عناوین مختلف برای قالب کردن افق یک جنبش ارتجاعی سپری شده به پرچم توده کارگر و دیگر مردم زحمتکش در ایران، مشغولند. همزمان با این، ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی نیز در کشتار زنان و مردان آزادیخواه و معترض به این حکومت بیداد میکند. این وضعیت به ما میگوید که در ۲۸ مرداد ماه امسال باید کار دیگری کرد. این وضعیت، اهمیت اعتراض به جمهوری اسلامی را در این روز و در این شرایط جای دیگری برده است و مردم آزادیخواه کردستان ایران را بار دیگر با مسئولیت بزرگی روبرو کرده است. اگر سه دهه قبل کردستان سنگر دفاع از آزادی و انقلاب در سراسر ایران بود و به این دلیل خمینی فرمان یورش به مردم آن را صادر کرد، اکنون نیز مردم آزادیخواه و برابری طلب در کردستان ایران با مساله ای فراتر از جغرافیای آن روبرو هستند. باید به این مسئولیت واقف بود و جواب درخور آن را داد. باید صفی مستقل از پرچم سبز و سیاه اسلامی را جلو جامعه گذاشت. اعتصاب عمومی مورد نظر ما جوابی است به این خواست، خواست مبرمی که جامعه و توده کارگر و مردم زحمتکش در این دوره به آن شدیداً احتیاج دارند. در همین رابطه حزب حکمتیست فراخوان اعتصاب عمومی در کردستان را صادر کرده است. انتظار این است که این فراخوان در ابعاد وسیعی جواب بگیرد.

کارگران، زنان، جوانان، کمونیستهای کردستان!

روز ۲۸ مرداد همچنین روز حمله به تشکلهای و تجمعات کارگری و برچیدن آنان از جامعه کردستان ایران بود. روز حمله به صف رادیکال این جامعه و به جلو صحنه راندن جهل و خرافه بود. این روز در عین حال روز قد برافراشتن قطب چپ و کمونیست آن جامعه در مقابل توحش بورژوا - اسلامی بود. سی امین سالگرد ۲۸ مرداد را مجدداً به عروج صف مستقل طبقاتی خود در کردستان و در سراسر ایران، تبدیل کنید! ورق را به نفع جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه طبقه کارگر که تنها صدای رسای مردم متنفر و معترض به کلیت جمهوری اسلامی است، برگردانید!

بار دیگر همه شما و دیگر مردم آزادیخواه کردستان را در این روز به شرکت فعالانه در اعتصاب عمومی و در بزرگداشت خاطره قهرمانیها و مقاومت و پایداری کسانی که جان خود را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی از دست داده اند، فرامیخوایم!

مراکز کار، ادارات، بازار و همه مکانیزمهای سوخت و ساز جامعه را در این روز تعطیل کنید! یک بار دیگر نشان دهید که کردستان سنگر مقاومت و پایداری در مقابل کلیت ارتجاع اسلامی است، با رنگ سبز و سیاه آن!

مردم آزادیخواه کردستان! این روزها ما با دو واقعه در فضای سیاسی ایران روبرو هستیم. یکی مبارزه و اعتراض برحق مردم معترض به جمهوری اسلامی و دیگری قالب و رنگ و افقی است که با کلاه برداری بزرگی به اعتراض و مبارزه برحق این مردم زده اند. این روزها ما طیف وسیعی از قربانیان جمهوری اسلامی را که خود از ابتدائی ترین حقوق مدنی محرومند می بینیم که مجددا و این بار زیر پرچم سبز اسلامی، دور شکنجه گران و قاتلین دیروز و امروز خود حلقه زده اند و برایشان هورا میکشند. "تلاش بی وقفه" آنها را در داخل و خارج کشور شاهدیم که چگونه با عناوین مختلف برای قالب کردن افق یک جنبش ارتجاعی سپری شده به پرچم توده کارگر و دیگر مردم زحمتکش در ایران، مشغولند. همزمان با این، ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی نیز در کشتار زنان و مردان آزادیخواه و معترض به این حکومت بیداد میکند. این وضعیت به ما میگوید که در ۲۸ مرداد ماه امسال باید کار دیگری کرد. این وضعیت، اهمیت اعتراض به جمهوری اسلامی را در این روز و در این شرایط جای دیگری برده است و مردم آزادیخواه کردستان ایران را بار دیگر با مسئولیت بزرگی روبرو کرده است. اگر سه دهه قبل کردستان سنگر دفاع از آزادی و انقلاب در سراسر ایران بود و به این دلیل خمینی فرمان یورش به مردم آن را صادر کرد، اکنون نیز مردم آزادیخواه و برابری طلب در کردستان ایران با مساله ای فراتر از جغرافیای آن روبرو هستند. باید به این مسئولیت واقف بود و جواب درخور آن را داد. باید صفی مستقل از پرچم سبز و سیاه اسلامی را جلو جامعه گذاشت. اعتصاب عمومی مورد نظر ما جوابی است به این خواست، خواست مبرمی که جامعه و توده کارگر و مردم زحمتکش در این دوره به آن شدیداً احتیاج دارند. در همین رابطه حزب حکمتیست فراخوان اعتصاب عمومی در کردستان را صادر کرده است. انتظار این است که این فراخوان در ابعاد وسیعی جواب بگیرد.

زنده باد سوسیالیسم!

فرمان حمله خمینی - بنی صدر به کردستان

محمد جعفری

حمله نظامی جمهوری اسلامی به کردستان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، جهت باز پس گرفتن دستاوردهای انقلاب ۵۷ مردم ایران بود. از جانب مردم کردستان ۲۸ مرداد ۵۸، روز تصمیم قاطع به مقاومت و حفاظت از آزادی و تداوم انقلاب بود. ۲۸ مرداد، روز زورآزمایی انقلاب و ضد انقلاب بود. ۲۸ مرداد، دروازه عبور رژیم جهت سرکوب و در هم شکستن سازمانهای رادیکال و تثبیت ارزش های بی ارزش اسلامی به جامعه و از زاویه مردم کردستان روز نه گفتن به کل حکومت اسلامی بود. انقلاب ۵۷ آزادی سازمان، تشکل های توده ای، مطبوعاتی و اعتماد به نفس مردم کارگر و زحمتکش را به همراه داشت و روز ۲۸ مرداد ۵۸؛ رژیم جهت پس گرفتن آنها جنگ مسلحانه را به مردم کردستان تحمیل کرد. برخورد سرکوبگرانه رژیم، جو و فضای دیگری بر روند مبارزه سیاسی مردم تحمیل کرد و مسیر مبارزه جهت دیگری را طی کرد. مردمی که در جریان قیام مسلح شده بودند و طعم آزادی را چشیده بودند دیگر بسادگی به سیاست سرکوبگرانه رژیم تسلیم نمی شدند و نمی خواستند دستاوردهای خود را از دست بدهند و از شعارها و مطالباتی که با انقلاب مطرح شده بود، دست بردارند. لذا اگر رژیم از هر منطقه و شهری برای پس گرفتن آزادی های مردم، حمله می کرد، مردم هم دست به مقاومت علیه او میزدند. در این یورش ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور ایران، خطاب به ارتش مزدور و سپاه پاسداران اظهار داشت " بند پوتین هایتان را باز نکنید تا "ضد انقلاب" (مبارزات مردم در کردستان) را سرکوب کنید". بنی صدر بدون کفش و کلاه خود هم از جنایت رژیمش محفوظ نماند و فرار کرد ولی جنبش مبارزه سیاسی- نظامی مردم کردستان در مقابل رژیم باز در میدان ماند. در دفاع از فراخوان اعتصاب عمومی کمونیست ها در روز ۲۸ مرداد ۱۳۸۸، من مطالبی از کتاب "روشنک" که به این مساله مربوط است را با تغییرات جزئی در اختیار خوانندگان عزیز قرار خواهم داد.

فرمان حمله خمینی- بنی صدر به کردستان

از زوایای مختلف میتوان به عواقب منفی و جنایتکارانه فرمان حمله خمینی جنایتکار و رژیم اش به کردستان پرداخت. من بیشتر از زاویه کسی که خود از نزدیک درگیر مبارزه با جمهوری اسلامی بوده و هستم و بعنوان یک شاهد عینی که خاطره های زیادی از این حمله دارم به آن میپردازم.

وقتی به فرمان خمینی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ از شهر پاوه به کردستان حمله شد، من هنوز در روستای میانه بودم و نمی دانستم کجا و چگونه در مقابل این یورش رژیم مقابله کنم. در این مدت کومه له دو اطلاعیه یکی بنام "انان که باد می کارند طوفان درو خواهند کرد" و " خلق کرد در بوته آزمایش" صادر کرد. در این دو اطلاعیه مردم را با مقاومت قاطعانه در برابر این یورش و لشگر کشی رژیم فرا میخواند. از ۲۸ مرداد تا

جانباختن رفیق فواد مصطفی سلطانی مبارزات شدیدی بین مردم و رژیم در جریان بود و اتفاقات مهمی در کردستان رخ داد. در روز ۳ شهریور سال ۵۸ به فواد خبر میرسد ۱۳ نفر از کمونیستهای مبارز منطقه مریوان و از جمله برادرانش رفقا امین و حسین مصطفی سلطانی،

حسین و احمد پیرخضری توسط خلخال جلا در شهر مریوان اعدام شدند. در همین رابطه رفیق فواد دو جلسه یکی در روستای "گاگل" و دیگری در "قامیشله" با رفقا برگزار کرد و شرایط جدید را بررسی کرد. او در ادامه برای جلسه با کمیته مرکزی کومه له عازم منطقه پاوه شد که متأسفانه در روز نهم شهریور یعنی یک هفته بعد از اعدام برادرانش و در مسیر مریوان سفز در روستای "بستام" طی یک درگیری با مزدوران رژیم جانش را از دست داد! از ۲۸ مرداد تا جانباختن فواد هیچ کدام از اتفاقات مهم به اندازه جان باختن وی برایم مهم نبودند. روز ۱۱ شهریور از رادیو تهران خبر کشته شدن رفیق فواد که یک سالی بود از زندان رژیم شاه و با انقلاب ۵۷ آزاد شده بود را با آب و تاب پخش کردند. پیام رژیم به مخالفان " رژیم در حال شکل گیری" روشن بود. این رژیم میخواست مردم مبارز و معترض را سرکوب کند و خبر کشته شدن فواد میتوانست بخشی از پروسه سرکوب مردم و ناامید کردن آنها در مبارزاتشان با رژیم اسلامی باشد.

شخصاً از خبر جانباختن نابهنگام رفیق فواد خیلی نگران شدم. آن زمان فقط کسانی که بیشتر از نوک بینی خود دنیا و جریباهای اجتماعی و ارتجاعی را میدیدند و ماهیتا رژیم اسلامی و جنبشهای اسلامی را می شناختند متوجه ماهیت ضد انسانی رژیم انطور که بود شدند. فواد یکی از برجسته ترین انسانهایی بود که از همان روزهای اول درست مثل رهبر یک جریان از نظر پراتیک رادیکال مرزبندی خود را با رژیم و اسلامی ها روشن کرد. با وجود اینکه فواد را ندیده بودم و هنوز رژیم کاملاً نتوانسته بود انقلاب را به شکست بکشاند و بعلاوه بدلیل شرایط دوران انقلابی رژیم هنوز کاملاً چهره ضد انسانی خودش را نشان نداده بود، با وجود همه این ها از رفتار فواد و تعریفی که از او می شد و تعرضی که به خان ها به رهبری او شده بود، خیلی از فواد متأثر بودم و در نگرانی مرگش آرام و قرار نداشتم و دنبال راهی می گشتم که چگونه نگرانی و نفرت عمیق را از رژیم سرکوبگر به عمل انقلابی تبدیل کنم؟ چرا تا این حد از فواد متأثر شدم؟ جان باختگان راه آزادی خود همیشه برای مردم شرافتمند عزیز و گرمی هستند. علیرغم اینکه هیچ اثر و نوشته ای که مرزبندی کامل او را با سایر گرایشهای چپ خلقی نشان بدهد وجود ندارد؛ اما جانباختن در مبارزه با رژیم در شرایط خاصی، باعث شد مردم او را تا سطح انسان افسانه ای ارتقا داده و برای مردم مهم و قابل احترام بود. شاید به این دلیل که رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم امروز نبود (رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم به وسیله رژیم شاه و بعداً اسلامی مداوماً محدود، کنترل و سرکوب میشد) از وارد شدن آزادانه و علنی در مبارزه محروم می شدند و محروم شدن در مبارزه علنی مانع بیداری سیاسی و رشد آگاهی کافی مردم میشد. مردم برای نجات خود به چیزهایی غیر از اراده و قدرت مستقیم خود

تکیه می کنند که در مواردی شامل افسانه ساختن و اغراق کردن در مورد مبارزین خود هم میشود. مردم از این طریق می خواهند به خود قدرت و قوت قلب بدهند و گاهی دشمن و گاهی خود را دست کم می گیرند و به دنبال ناجی هستند. فواد برای من تلفیقی از هر دو حالت بود. با وجود اینکه مطلبی نوشته بود که من خوانده باشم، (مرگ نابهنگام بعد از آزادی از زندان رژیم شاه به او فرصت نداد) که اثر تئوریک، فلسفی و علمی داشته باشد تا کسانی مثل من از روی مطالعه آنها به او سمپاتی پیدا کنند. اما یک چیز روشن بود، فواد یک شخصیت انقلابی و علیه ظلم و زور بود. او وقتی که میبایست علیه رژیم اسلامی موضعگیری کند، موضع گرفت و از روز اول ماهیت ارتجاعی رژیم را شناخت و دست به مبارزه کمونیستی با هر تعبیری که خود او از کمونیسم داشت زد. و دست آخر جان عزیزش را در این راه برای آرمان انسانی و کمونیستی و علیه رژیم اسلامی از دست داد. قاطعیت او همراه با رفقای کمونیستش که در بخش "پروسه شکل گیری مبارزه مسلحانه" به آنها اشاره می کنم، در برپا کردن مبارزه مسلحانه، موضع قاطع و بر حق او در برخورد با مرتجعین و مالکین محلی، زندان کشیدن در زمان شاه و رهبری کردن اعتراضات و از جمله کوچ اعتراضی مردم شهر مریوان و چندین حرکات بزرگ و جمعی دیگر در مدت عمر کوتاهش، او را محبوب و به مظهر آزادیخواهی دوران ما تبدیل کرده بود. رهبران سیاسی در جواب دادن به نیازهای سیاسی و اجتماعی است که بیشتر سیاست و آرمان خود را توده گیر میکنند و نه از سر آگاه کردن فرد فرد مردم و آموزش خانه به خانه آنها. ما کسانی که او را رهبر خود می دانستیم نه او را دیده بودیم، نه در یک جلسه سخنرانی و آموزشی اش و یا در یک عملیات همراه او شرکت کرده بودیم و نه یک پاراگراف از نوشته اش را خوانده بودیم. اصلاً نمیدانم فواد نوشته ای داشت یا نه؟ حتی اگر نوشته ای داشت درک من از مسائل تئوریک کمتر از این بود که از روی تئوری قانع شوم و اهداف انقلابی خود را انتخاب کنم. اما نقش فواد در جواب دادن به یک نیاز مهم سیاسی و تاریخی زمان خود، او را به رهبر ما آزادیخواهان تبدیل کرد و این بود اساس و زمینه سمپاتی و احترام عمیق ما به این مبارز کمونیست.

نمیدانم جو شهرها در فاصله ۲۸ مرداد ۵۸ تا جانباختن فواد و بعد از این واقعه چگونه بود؟ اما در روستاهای منطقه ای که من زندگی میکردم اکثر مردم چه مخالف و چه موافق راجع به تأثیرات منفی مرگ فواد در مبارزه کشاورزان و کلا مردم زحمتکش کردستان با رژیم اسلامی و مرتجعین محلی صحبت میکردند. یک روز که برای مراسم سوگواری به روستای "پیچون" در منطقه کلاترزان می رفتم و یک نفر که بعداً مزدور محلی شد در حین جروبحث گفت که از مرگ فواد خوشحال شده است. از شنیدن این جمله مثل تئور داغ شدم و هرچه در توانایی داشتم در مسیر راه جوابش دادم. ولی از اینکه نمی توانستم کار بیشتری بکنم نزدیک بود منفجر شوم. وقتی ۳ ماه بعد رژیم در حمله اول خود

معرفی شد. کومه له آن روزها ضمن شرکت فعال در مبارزه توده ای و سازمان دادن حرکات اعتراضی مانند کوچ تاریخی مردم شهر مریوان و راهپیمایی مشهور سنندج- مریوان و مقابله با حضور نیروهای نظامی رژیم در داخل شهر سنندج، در مذاکره هم فعالانه شرکت می کرد. پا به پای مذاکرات مردم را برای مقابله در برابر حمله رژیم که حتمی بنظر میرسید، آماده می کرد. حزب دمکرات این سیاست توهم زدائی و آماده سازی مردم توسط کومه له را " سیاست جنگ افروزان" کومه له می نامید. از طرف دیگر خمینی با شعار " ما با کرد نمی جنگیم با کفار میجنگیم" صحت این مساله را روشن میکرد که اگر چه جنبش کردستان بر اثر عقب نشینی انقلاب، فشار رژیم و نابالغی چپ، بوششی ملی برای بسیج مردم به خود گرفته بود و با درک محدود آن زمان این ظرفیت بسیج کردن، یعنی رفتن به زیر شعار " خودمختاری" در جنبش مقاومت خلق کرد ترجمه میشد. اما در اصل در این جنبش موضوعاتی مطرح بودند که بیشتر آزدیخواهانه و کمونیستی بودند تا ملی. به دلیل وجود این چپ و رادیکالیسم بود که تمام جریانهای ملی و مذهبی بعد از زمان کوتاهی در مقابل جنبش کردستان و در کنار رژیم اسلامی سر در آوردند. حزب توده و سازمان فدائیان اکثریت، در دشمنی آشکار علیه سازمانهایی که درگیر مبارزه با رژیم بودند جاسوسی کردند. حزب توده و سازمان فدائیان اکثریت سازمانهای مخالف رژیم و جنبش مردم کردستان را آمریکائی و ما را نوکر بیگانه می نامیدند. توده ای ها و اکثریتی ها نه تنها فعالیتی شرافتمندانه نکردند، بلکه تا توانستند در همراهی با رژیم اسلامی علیه کمونیست ها جاسوسی کردند. بعلاوه رژیم با تقویت جریانهای مذهبی مثل احمد مفتی زاده مرتجع که بخشی از نیرو و پایگاه وی در کردستان بودند از طرفی و از طرف دیگر در پروسه مذاکره خود را آماده حمله مجدد به کردستان میکرد. تا اینکه در فروردین ماه 59 با جنگ 24 روزه سنندج حمله دوم خود را آغاز کرد و مبارزه مسلحانه را به مردم تحمیل کرد و از آن زمان تاکنون این مبارزه در اشکال گوناگون ادامه دارد.

خواستند دستاوردهای خود را از دست بدهند و از شعارها و مطالباتی که با انقلاب مطرح شده بود، دست بردارند. لذا اگر رژیم از هر منطقه و شهری برای پس گرفتن آزادی های مردم، حمله می کرد، مردم هم دست به مقاومت علیه او میزدند. به این دلیل است که در ادبیات آن زمان شکل مبارزه مردم را جنبش مقاومت می نامیدند. در این یورش ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور ایران، خطاب به ارتش مزدور و سپاه پاسداران اظهار داشت " بند پوتین هایتان را باز نکنید تا "ضد انقلاب" (مبارزات مردم در کردستان) را سرکوب کنید". بنی صدر بدون کفش و کلاه خود هم از جنایت رژیمش محفوظ نماند و فرار کرد ولی جنبش مبارزه سیاسی- نظامی و مردم در مقابل رژیم باز در میدان ماند. مبارزه مسلحانه را کومه له با کمک جمعیت ها و نهادهایی که پس از انقلاب پا گرفته بودند و همینطور حزب دمکرات کردستان رهبری می کردند. علیرغم لیبیک گفتن آقای قاسملو رهبری حزب دمکرات به خمینی، رادیکالیسم مردم و نفوذ چپ، حزب دمکرات را مجبور به کنار نیامدن با رژیم و دنبال روی از خواست مردم کرد. در مرحله اول جمهوری اسلامی در کردستان شکست خورد و موقتا عقب نشینی کرد. اما این عقب نشینی تاکتیکی بود و بسیاری از مردم کردستان و در راس شان کومه له آن وقت به رژیم توهمی نداشتند و با جناح "خوب" و "بد" که آن زمان از طرف برخی از سازمانهای سیاسی و بیشتر حزب توده مرتجع، تبلیغ میشد گرفتار نشدند و میدانستند که این عقب نشینی موقتی است. مدت 6 ماه برای حل مساله کردستان که اکثر مطالبات چپ و آزدیخواهانه داشت، بین رژیم و هیئت نمایندگی مردم کردستان مذاکره صورت گرفت. این مذاکره از طرف هیئت نمایندگی مردم کردستان توسط آقایان عزالدین حسینی، رفیق جانباختیه جعفر شفیع، فاتح شیخ، عبدالله مهتدی، ابراهیم عزیززاده و از طرف رژیم هاشم صباغیان، داریوش فروهر، طالقانی، سحابی و رفسنجانی را بیاد دارم. رژیم میخواست اول با ایجاد اختلاف در هیئت نمایندگی مردم کردستان دال بر برسمیت نشناختن نماینده سازمانهای سیاسی در مذاکره از طرفی و از طرف دیگر با بازی گرفتن حزب دمکرات(که همیشه پتانسیل به بازی گرفتن را دارا بود) پروسه این مذاکره را مختل و بی سرانجام کند. ولی بدلیل نفوذ کمونیست ها در هیئت نمایندگی مردم کردستان و جو انقلابی که آن زمان در هیئت نمایندگی وجود داشت، هیئت نمایندگی، جلو سازش و فریب دادن مردم توسط او را گرفت. رژیم آنطوری که بود به مردم

شکست خورد و تقاضای مذاکره کرد، دوباره مردم و نیروهای پیشمرگ کنترل شهرهای کردستان را به دست گرفتند، بخشهایی از نگرانیها و دردهایی که در حین جانباختن فواد کشیده بودم از دلم در رفت. در این وقت بود همان شخص برای نادیده گرفتن کارهای زشتی که علیه مردم و کومه له کرده بود، از کومه له تقاضای بخشش کرد. آن وقت بزرگترین سوگند جوانان به مرگ کاک فواد بود. این اولین باری بود که متوجه شوم مبارزه برگشت هم دارد. مبارزه تنها خود مخفی کردن از دست حکومت و مزدورانش نیست، بلکه زیون کردن آنها را نیز به همراه دارد. چه احساس قدرت و غروری کردم که در مقابل زورگویی می توان با قدرت ایستاد و مقابله کرد و آنها را به موقعیت ضعیفی انداخت. بخصوص از وقتی که مسلح شدم (پیوستن به تشکیلات علنی) دیگر مزدوران را در اسارت و در حال ضعف و ناتوانی دیدم که خشنی و بیرحمی سیستماتیک در حاکمیتشان، جای خود را به "محترم" بودن و تقاضای بخشش کردن میداد. دیدم میشود مبارزه کرد، میشود مزدوران، کسانی که اسید به صورت زنان پاشیده بودند، کسانی که شکنجه و اعدام میکردند را به "غلط کردم" انداخت و آنها را محاکمه و زندانی کرد. میشود از زورگویی سیستماتیکی که علیه کمونیست ها به کار میگیرند، کمونیست ها را به موقعیتی برد که ظالمین را به خاطر جنایتشان محاکمه کنند. میشود از سر اعمال زورگویانه دست بردارند و سر عقل شان آورد. تلاش انقلابی از همان اول انقلاب ثمره شیرین خودش را ولو ناچیز و موقتی به من نشان داد. می گویم ناچیز و موقتی به این دلیل که به سبب شرایطی که در طول این کتاب به آن اشاره میکنم، ما مردم موفق به سر کار آوردن حکومتی غیر مذهبی در ایران نشدیم و دوباره پس از یورش دوم رژیم به کردستان کنترل خود را بر شهرها از دست دادیم. بنا به محدودیت فکری و سیاسی در آن مدتی هم که کنترل شهرها را در دست داشتیم کمتر توانستیم تاثیر عظیمی روی جامعه بگذاریم. رژیم با قتل عام کردن مبارزین و منهدم کردن سازمانهای سیاسی مخالف خود در سایر نقاط ایران، توانست دایره نفوذ و حاکمیت ما را هم محدود و موقتی کند و از کردستان فراتر نرود.

با حمله رژیم جمهوری اسلامی به کردستان، دیگر راه حل مسالمت آمیز مساله کردستان به شکست کشانده شد و موضوع پپیچیده تر و بغرنج تر شد و مبارزه به مرحله دیگری کشیده شد. رژیم اسلامی بدلیل ماهیت ارتجاعی اش با هر مطالبه و هر خواست مردم زبان زور و سرکوب را بکار می گرفت و از این رو درست بعد از انقلاب، جنگ مسلحانه را به مردم کردستان تحمیل کرد. برخورد سرکوبگرانه رژیم، جو و فضای دیگری بر روند مبارزه سیاسی مردم تحمیل کرد و مسیر مبارزه جهت دیگری را طی کرد. مردمی که در جریان قیام مسلح شده بودند و طعم آزادی را چشیده بودند دیگر بسادگی به سیاست سرکوبگرانه رژیم تسلیم نمی شدند و نمی

**به، گارد آزادی
به پیوندید!**

فرخوان به مردم شهر بوکان و حومه به مناسبت اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد

مردم مبارز بوکان، کارگران و آزادیخواهان

در جریان هشتاد و هشت روز بیست و هشت مرداد امسال، سی امین سالگرد صدور فرمان حمله خمینی به کردستان است.

۲۸ مرداد ۵۸ شروع جنگ و حمله نظامی تمام عیاری است که طی سه دهه حیات ننگین جمهوری اسلامی با اعدامهای دسته جمعی، با کشتار مردم شهرها و روستاهای کردستان و با میلیتاریزه کردن فضای جامعه در نهایت وحشیگری ادامه داشته و همچنان ادامه دارد. حمله به کردستان همزمان با سرکوب و وحشیانه کل جامعه ایران انقلاب کننده بر علیه نظام سلطنتی و باز پس گیری دستاوردهای آن انقلاب بود. از آنجا که جامعه کردستان به دژ محکم کمونیستها و آزادیخواهان ایران و کردستان تبدیل شده بود و بعنوان سنگر انقلاب سال پنجاه و هفت از آن یاد میشد، جمهوری اسلامی و همپالگهیهای آن را به وحشت انداخت و برای تداوم سرکوب کل انقلاب و آزادیهای بدست آمده مردم تدارک جنگ و حمله گسترده ای را بر علیه مردم کردستان سازمان دادند و سرکوب و وحشیانه جامعه در راس اقدامات ضد انقلابی آنها قرار گرفت. در مقابل این یورش گسترده کمونیستها و صف آزادیخواهان به مقابله قاطع پرداختند و معامله و سازشکاریهای جریانبات دیگر را حاشیه ای کرده و یک صف گسترده مبارزه سیاسی، توده ای و مسلحانه نیرومند را در برابر ارتجاع اسلامی سازماندهی و رهبری کردند. این افتخار بزرگی در تاریخ مبارزاتی ما کمونیستها و کارگران و آزادیخواهان جامعه کردستان و ایران است که باید در چنین روزی

آن را تقدیر و یاد جانباختن هزاران قهرمان کمونیست و آزادیخواهی را که در این نبرد پر افتخار و در سه دهه اخیر جان باختند و فداکاری کردند گرامی داشت. شهر بوکان در اولین سال حمله رژیم از جمله شهرهایی بود که شاهد جنایت فراموش نشدنی جمهوری اسلامی و اعدامهای خلخالی جنایتکار است که در اعدامهای صحرایی حتی به نوجوانان و کودکان نیز رحم نکردند. اعدام انسان مبارز و محبوبی چون ابوبکر حمیدی که در یک "محاکمه" چند دقیقه ای در پادگان سقز صورت گرفت تنها گوشه ای از کوهی جنایت هولناک حکومت اسلامی است. اما در عین حال شهر بوکان در همان سال شاهد

آزادیخواهان، جوانان مبارز!

مقاومت و حرکتهای اعتراضی گسترده و پرافتخار بر علیه مزدوران جمهوری اسلامی بود. جوانان مبارز نقش بسیار برجسته ای در سازماندهی مبارزه و مقاومت بر علیه تعرض و سرکوب نظامی مزدوران جمهوری اسلامی ایفا کردند. مبارزه ای که همچنان ادامه دارد.

مردم آزادیخواه بوکان و حومه!

شما را به عملی کردن اعتصاب عمومی که از جانب حزب کمونیست کارگری- حکمتیست در ۲۸ مرداد ۸۸، سی امین سالگرد حمله به کردستان، فراخوان داده شده است فرامیخوانیم. با این اعتصاب، مردم مبارز به شکل گسترده و متحد رسماً در محکوم کردن یورش ۲۸ مرداد جمهوری اسلامی ابراز وجود خواهند کرد. یاد و خاطره عزیزان جانباخته و مبارزین این سه دهه نبرد بر حق و آزادیخواهانه را بر علیه حکومت جنایتکار اسلامی گرامی خواهیم داشت. یک بار دیگر اعلام خواهیم کرد که این حکومت با همه جناحهای سیاه و سبزان با "اصلاح طلب" و "اصولگرا" باید شرشان را از سر جامعه کم کرد و سرنگون شوند. با عملی کردن کامل این اعتصاب در این روز یک بار دیگر بر تداوم مبارزه تا سرنگونی انقلابی این حکومت و دارودسته های آن تاکید خواهیم کرد. نشان خواهیم داد که از پای نخواهیم نشست و به

مقاومت و مبارزه و ایستادگی پرافتخار خود ادامه خواهیم داد. با این حرکت متحد و همه گیر خود نشان خواهیم داد در راه مبارزه برای روشنگری کلیت این رژیم دست رد به سینه و روشهای سازشکارانه و همسویی سرمایه داران و نیروهای قومی کرد با جناحهایی از جمهوری اسلامی خواهیم زد و اعلام میکنیم که در تقابل و رودروئی آشکار با خواست و مبارزات سی ساله ما آزادیخواهان و مردم کردستان قرار دارند.

خبر این اعتصاب عمومی را به اطلاع همه برسانید. بازاریبان را به تعطیلی کامل دکانهای خود تشویق کنید. هیچ کسی سر کار نرود و شهر و همه مراکز کار را از صبح روز بیست و هشت مرداد تماماً به تعطیلی بکشانید. این فراخوان را بدست همه برسانید. در و دیوار شهر را پر کنید از شعار "زنده باد اعتصاب عمومی بیست و هشت مرداد مردم کردستان". جمهوری اسلامی در مقابل اقدام مشترک و گسترده شما مردم آزادیخواه و همه بازاریبان و کارکنان و کارگران به زانو در خواهد آمد و توان تهدید و ارباب و سرکوب را از او سلب خواهید کرد. شما را به اجرا متحدانه این اقدام تاریخی و فراموش نشدنی فرامیخوانیم!

از صبح روز 28 مرداد دکان و بازار، مراکز کار و ادارات را در شهر و حومه بوکان باید تماماً تعطیل کرد!

زنده باد روز بیست و هشت مرداد، روز اعتصاب سراسری مردم کردستان!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

سلام زیجی، حسین مرادبیگی (حمله سور)، رحمان حسین زاده، آرش حسینی، محمد سلطانی (درزیولی)، محسن حسینی، ابوبکر شریفزاده و یاسین حسینی

کارگران پریس همراه با خانواده های خود در مقابل استانداری کردستان دست به تجمع اعتراضی زدند

ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه چهاردهم مرداد ماه ۸۸ کارگران کارخانه ریسندگی پریس سنندج همراه با خانواده های خود در مقابل استانداری کردستان در اعتراض به عدم اجرای رای دیوان عدالت اداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

مامورین امنیتی رژیم که قبل از شروع تجمع در محل حاضر شده بودند قصد داشتند از تجمع کارگران در مقابل استانداری جلوگیری کنند و از کارگران خواستند که به تجمع خود پایان دهند اما کارگران نپذیرفتند و تجمع را ادامه دادند. معترضین پلاکارد بزرگی را به همراه داشتند که در آن بر اجرای رای دیوان عدالت و محکوم کردن رای هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج تاکید شده بود. مامورین مستقر در محل از نزدیک شدن مردم به کارگران و گرفتن عکس و فیلم بشدت جلوگیری میکردند. در ساعت 11 نماینده های کارگران بامعاون سیاسی امنیتی استانداری

دیدار و مذاکره کردند. در این مذاکرات نمایندگان کارگران با ارائه اسناد و مدارک و طرح مسائل خود، خواستار رسیدگی فوری به خواستها و مطالباتشان شدند و معاون استاندار نیز طی تماسی با اداره کار سنندج خواهان پاسخگویی اداره کار به کارگران شد.

لازم به ذکر است در تاریخ ۲۶، ۱۱، ۸۷ دیوان عدالت طی حکمی رای هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج مبنی بر بازگشت بکار کارگران پریس با حذف قید موقت از قراردادهایشان و پرداخت دستمزد ایام بلا تکلیفی آنان را صادر کرد.

اما از آن تاریخ تا کنون کارفرما از بکارگیری این کارگران و اجرای رای دیوان عدالت خودداری کرده است و مسئول روابط کار اداره کار سنندج نادر محمدی نیز در هم سویی با کارفرما و تبانی با وی در ۲۷، ۴، ۸۷ با اعمال نفوذ و اضافه نمودن نفقات مشخص به هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج اقدام به صدور رای دیگری بر خلاف رای دیوان عدالت نمود، رای جدید هیئت حل اختلاف با اختلاف یک رای بر علیه کارگران صادر شده است. بر اساس این رای کارگران پریس تنها با قرارداد موقت میتوانند بر سر کارهای خود بازگردند. رای اداره کار سنندج در تضاد با رای دیوان عدالت

۱۴ مرداد ۸۸ منبع اتحادیه آزاد کارگران ایران



کارگران، جوانان، مردم آزادخواه کامیاران

ابراهیم باتمانی - پیمان حسینی

۲۸ مرداد امسال، سی امین سالگرد صدور فرمان خمینی برای حمله به کردستان است. این فرمان، اعلان جنگ ضدانقلاب بورژوازی متکی به توحش اسلامی با هدف سرکوب قهرآمیز انقلاب ۵۷ در کردستان و سراسر ایران بود.

خمینی فاشیست در ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۸ فرمان یورش به مردمی را صادر کرد که چیزی جز دست آوردهای انقلاب، یعنی آزادی و برابری و رفاه و عدالت اجتماعی نمی خواستند. جامعه کردستان که خیلی زود پرچم مقاومت انقلابی علیه جنگ ضدانقلابی خمینی را در دست گرفتند، در شهر سنندج، تشکلهای و جمعاعات کارگری، کوچ تاریخی مردم مریوان، مبارزه مسلحانه نیرومند در برابر ارتجاع اسلامی، نمونه های مشخصی از تلاش مردم برای رسیدن به این خواسته ها بودند. روز ۲۸ مرداد در عین حال روز سازمان دادن مقاومت توده ای میلیونی جوانان، زنان، و کارگرانی بود که بطور خستگی ناپذیر در تحصن ها و راهپیمائی ها و در سنگرهای مقاومت علیه یورش خمینی به مردم شهرهای کردستان شرکت کردند. این روز یادآور جوخه های مرگ خلخالی، یادآور قتل عام های دسته جمعی و درخون غلتیدن مردم بی دفاع

در "قارنا و قلاتان" و یاد آور ۲۴ روز جنگ سنگر به سنگر در شهر سنندج و دیگر میدانهای مقاومت در مقابل توحش افسار گسیخته جمهوری اسلامی می باشد.

امام مردم کردستان، کارگران، زنان، جوانان و جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی بعد از ۳۵ دهه نه تنها نا امید نشدند، بلکه مبارزات طبقاتی خود را از طریق برگزاری مراسم اول ماه مه، ۸ مارس روز جهانی زن، روز جهانی کودک، ۱۶ آذر روز دانشجو و اعتراض های مردمی و اعتصاب های کارگری بر علیه این حکومت خونخوار اسلامی ادامه داده است. مردم عزیزان و جان باخته های خود، جوانانی مثل فرزند کمانگر، فرهاد حاج میرزایی و انسان هایی که در حال حاضر زیر شکنجه و حکم اعدام هستند در فراموش نکرده اند و امروز بیش از هر زمان با قدرتی بیشتر برای تحقق آزادی و برابری شرایط را مناسبتر میدانند.

در این شرایط که حاکمان مستبد اسلامی که به دو جناح تقسیم شده اند و هر دو جناح با پرچم سبز و سیاه که متعلق به سرکوبگران حکومت هستند در حال جنگ برای رسیدن به قدرت برای سرکوب طبقه کارگر و جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی می باشند. ما باید از این شکاف استفاده کنیم و خارج از صف هردو جناح رژیم، بگوییم پرچم سبز و سیاه پرچم ما نیست و پرچم ما جدا می باشد، صف ما پرچم سرخ آزادی و برابری است، صف ما خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی با همه جناحهای حکومتی می باشد.

زنده باد اعتصاب سراسری ۲۸
مرداد در کردستان
زنده باد مردم مبارز کامیاران
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری

پیام به مردم شهر بانه و حومه!

هلاله طاهری

مردم مبارز!

سی سال پیش طی یک مقاومت شش ماهه در شهر ها و روستاهای کردستان برای دفاع از آزادی و دستاوردهای انقلاب پنجاه و هفت یکی از بارزترین و بیادماندنی ترین برگهای تاریخ ایران را به نام خود ثبت نمودیم. شهر بانه یکی از شهرهایی بود که با راهپیمائی مریوان، اعتصاب معلمان شهر بانه، برپایی کانون زنان، سندیکیای بیکاران، تشکل دهقانان و "هیزی به رگری"، شورای دانش آموزان و معلمین، تظاهراتهای هزاران نفره بمناسبت اول ماه مه، روز جهانی زن و دفاع از آزادیهای سیاسی و علیه کلیت جمهوری اسلامی از جمله برگهای تاریخ پر افتخار آن روزهاست.

فرمان لشکر کشی خمینی از زمین و هوا بنام پاکسازی کردستان از "ضدانقلاب"، دستگیریها و اعدامهای صحرائی و کشتار مردم بی گناه روستاها با توپ و تانک و بمب، راکت باران از طریق فانتومها و شکستن دیوارهای صوتی بطور شبانه روزی برای درهم شکستن روحیه مردم، آواره شدن آنها به روستاها و از دست دادن دهها عزیز و قهرمان کمونیست از صفحه های ننگین تاریخ این رژیم است که از ذهن هیچ کدام ما پاک نخواهد شد.

مقاومت ۳۴ روزه شهر بانه، سخت کوشی

نیروهای مسلح بویژه و در صف مقدم پیشمرگان کومه له در گرفتن کوه آربابا و در رودرویی با پادگان و لشکر اعزامی از تهران با صدها تانک و خودروی نظامی، بادبگارد و سنگربندی تمام شهر به کمک زن و مرد در مدت کوتاهی، محاصره پادگان و پایگاه ها، مقاومت و ایستادگی در مقابل گردانهای اعزامی در مسیرهای سفز-بانه و سردشت-بانه با حماسه های بزرگی از مقاومت پیشمرگان و مردم مسلح روبرو گردید.

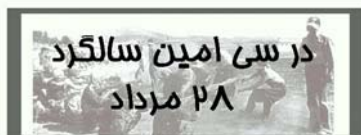
شهر بانه آنروزها شاهد دو بار آزادسازی شد و این در بالا ماندن روحیه مردم تا به آخر تصرف شهر به دست رژیم ادامه داشت. شور و شوق و اتحاد و همبستگی آنروزها هم در تاریخ و هم در ذهن یکایک نسلی که خود در آن درگیر بود ثبت شده است.

امروز بعد از سی سال از حاکمیت رژیم مبارزه برای آزادی و برابری، مبارزه برای براندازی کلیت رژیم، برای یک زندگی بهتر همچنان ادامه دارد. مراسمهای اول مه و ۸ مارسهای هر ساله و برپایی دهها تشکل و محافل برای دفاع از حقوق زنان، فستیوال آدم برفی ها و دفاع از کودکان خیابانی، اعتصابات و تظاهرات در تقابل با خفقان و اذیت و آزار رژیم و تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی، شرکت نکردن در مضحکه های انتخاباتی این رژیم، همه و همه گواه اعتراض ادامه دار شما بر علیه این رژیم است.

مردم! کارگران، جوانان! زنان! به اعتصاب عمومی در روز ۲۸ مرداد بپیوندید. خبر اعتصاب را به همه دوستان و آشنایان خود برسانید و دیگران را تشویق کنید که به اعتصاب

بپیوندند. بپایید این اعتصاب به یاد همه عزیزانی که در آندوره در مبارزه با رژیم جانشان را از دست دادند، به روز "نه" گفتن به کلیت جمهوری اسلامی با هر دو جناح آن و به روز اعلام پشتیبانی از مبارزات کارگران، زنان آزادخواه و برابری طلب و همه اقشار معترض در سراسر ایران بدل گردد. بپایید برگ دیگری بر تاریخ پرافتخار سی سال مقاومت و ایستادگی تان در مقابل سرکوب و خفقان بیافزایید!

گرامی باد یاد جانباختگان راه آزادی و
سوسیالیسم در کردستان!
زنده باد آزادی و برابری!



به مناسبت روز ۲۸ مرداد روز حمله جنایتکارانه جمهوری اسلامی به کردستان

ابوبکر شریف زاده

پیام به مردم مبارز و آزادیخواه سقز و بوکان

روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ خمینی فرمان حمله به مردم کردستان را صادر کرد. ما، مردمی که خواهان یک زندگی شایسته و انسانی برای جامعه ایران و کردستان بودیم. ما مردمی که یک دنیای بهتر و یک زندگی شایسته انسان را میخواستیم و میخواستیم، ما مردمی که خواهان آزادی و برابری، تساوی حقوق زن و مرد برای جامعه و خواهان حقوق شهروندی متساوی الحقوق با بقیه جامعه ایران بودیم.

اثرات فرمان جنایتکارانه خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸ تا هم اکنون بر زندگی ما مردم کردستان مشهود است، کدام کوچه، خیابان و محل کار یافت میشود که شاهد مقاومت و فداکاری تک تک شما نباشد؟ کدام روستا و کوه و برزن شاهد فداکاری و خون سرخ عزیزان ما نمی باشد؟ کدام خانواده در میان ما پیدا میشود فرزندی، عزیزی، دلبنده و جگرگوشه ای آشنا، همسایه، همکار، همکلاس، دوست و یا عزیزی را از دست نداده باشد؟ در نتیجه این فرمان جنایتکارانه

چند پدر و مادر، چند هزار، فرزندی، چند همسایه، همکار، همکلاسی و دوست و آشنا دغدار نشده اند؟ چند صد هزار نفر در نتیجه این فرمان جنایتکارانه در جنگ جان باختند و یا دستگیر شدند و در محاکمات فرمایشی چند دقیقه ای و نا عادلانه حکم اعدام گرفتند و سر به نیست شدند؟ هنوز هم نام خلخال یکی از جانی ترین مهرهای جمهوری اسلامی که تحت فرمان خمینی جنایتکار 58 نفر را در همان روز های اول حمله تیرباران کرد بر تن بسیاری لرزه میاندازد.

ما تا زنده هستیم این همه قساوت، این همه جنایت، بی شمار توهین و بی حرمتی و وحشیگری را از یاد نمی بریم و سینه هامان پر از صفحات قطور تاریخی از جهل و جنایت جمهوری خواهد بود برای نسل های آینده و نمیگذاریم آن و این همه جنایت فراموش و از یاد برود. ما پرونده قطوری

از جنایت سران ریز و درشت رژیم اسلامی را بعد از فرمان خمینی جنایتکار به کردستان داریم که امروز به پرچم سبز و سیاه تبدیل شده اند! کفایت لیست عزیزان جان باخته مان را یاد آور شویم که در راه زندگی شایسته انسانی و جامعه ای برابر و انسانی برای ایران و کردستان بوسیله این جنایتکاران اسلامی تیر باران شدند و بابت تیرهای که توسط قاتلین و جنایتکاران در بدن دارند از پدر و مادر داغیده پول و شیرینی گرفته اند. کفایت به بی حقوقی

مطلق، به تحمیل فقر و گرسنگی، نابرابری در تمام شئون زندگی در این 30 سال اشاره کنیم که بعد از فرمان جنایتکارانه خمینی به ما و مردم ایران تحمیل شده است. اما مردم کردستان و جنبش آزادی و برابری بعد از ۳۰ سال نه تنها تسلیم نشدند، نه تنها عزیزان خود را فراموش نکرده اند، نه تنها به زیر پرچم سبز و سیاه جناحهای رژیم نرفتند، امروز بیش از هر زمان توازن قوا را برای تحقق آزادی و برابری بیش از هر زمان مناسبتر میدانند.

امروز سران جنایتکار اسلامی به دو دسته تقسیم شده اند، پرچم سبز و سیاه متعلق به سرکوبگران ما هستند که دچار اختلاف و سردرگمی شده اند! ما باید از این فرصت استفاده کنیم و خارج از صف هر دوی آنها بگویم پرچم سبز و سیاه متعلق به ما نیست و پرچم ما جداست، صف ما خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی با همه جناحهایش است صف ما خواهان آزادی، برابری است.

۲۸ مرداد سال روز فرمان خمینی را به روز مقاومت، به روز نه رسا و بزرگ به جمهوری اسلامی، به روز اعتصاب عمومی تبدیل کنیم این روز بار دیگر اراده مردم آزادیخواه کردستان را به "بوته آزمایش" می سپارد. باشد دست در دست هم همصدا و متحد روز ۲۸ مرداد به روز خواباندن چرخ تولید در تمام مراکز کاری و اداری و حتی امورات شخصی و یکپارچه و یکصدا علیه کلیت جمهوری اسلامی و نوحه سرایان محلی که نسخه عزای عمومی را تجویز میکنند تبدیل و نقش خود را ایفا کنیم.

عزاسنت ما انسا نه ای رادیکال و آزاده نیست.

یک سنوال اساسی و داغ در آستانه ۲۸ مرداد امسال اینست که آیا جریانات دنباله رو موج سبز فضای سیاسی کردستان را بسوی

زنده باد آزادی، زنده باد برابری
مرگ بر جمهوری اسلامی

به حکمتیست ها

به پیوندید!

یادداشتی بر یک کامنت

سیف خدایاری

در پایان مقاله ای با عنوان روایت "روشنفکران کرد" از ۲۸ مرداد که به قلم من دو هفته قبل منتشر شد یکی از خوانندگان آن کامنتی گذاشته است که صرف توهین آمیز نبودن آن و دوری ایشان از خصومت های معمول ناسیونالیسم نسبت به جنبش کمونیستی به من انگیزه داد تا نکات بیشتری را با خوانندگان این نوشته و روزان عزیز در میان بگذارم.

روزان در کامنت خود می نویسد :

نویسنده برای شناخت مردم کردستان مثال جالبی زده است. اما اگر از این یک صد نفر که او به آن اشاره کرده است بتوان یک نفر شبه کمونیست هم پیدا کرد ، باز هم امثال نویسنده می توانند در ذهن خود چینی تجسم کنند که (خوشبختانه به یمن وجود جنبش کمونیستی قوی در کردستان) می توان خود را فریب داد!

در آغاز برای یادآوری مثالی که در نوشته خود آورده بودم و روزان هم به آن اشاره می کند را در اینجا نقل می کنم :

کافی است در شهری مانند سنندج بطور اتفاقی 100 نفر را در خیابان جدا کرد تا به ترکیب ناهمگون اجتماعی آنها پی برد؛ در این مثال فرضی ما به افرادی بر می خوریم که منافع بشدت متفاوت و بطور عینی متضاد با هم دارند. در این مثال فرضی ما مزدور و مدافع جمهوری اسلامی وجود دارد؛ افرادی هم هستند که هیچ سنخیتی با اسلام و جمهوری اسلامی ندارند و افرادی هم که می توانند مخاطب بیاتیه عزای عمومی باشند. هر کدام از این افراد منافع ، اهداف و تعریفی از زندگی دارند که در صورت بروز آن ظرف نیم ساعت جنگ لفظی تا چاقو و قمه بین آنها صورت می گیرد!

1. مثال مزبور نه فقط در مورد جامعه کردستان که تا یک سال پیش در آن زندگی می کرده ام و از نزدیک با جریانات فکری و جنبش های اجتماعی آن آشنا هستم ، بلکه در مورد هر جامعه ای در دنیای سرمایه داری صدق می کند. پس از عروج سرمایه داری به شکل نوین و حداقل از 200 سال گذشته به این طرف جامعه با این ترکیب اجتماعی و شکل طبقاتی مواجه بوده است. فکر نمی کنم نویسنده هم مانند بسیاری از افراد تنگ نظر در کمپ ناسیونالیسم کرد ادعای این را داشته باشد که در کردستان

روشن حزب کمونیست به سوی افق ناسیونالیستی خود در حرکت بودند و حتی ناسیونالیسم تمام عیار کرد که توسط حزب دمکرات نمایندگی می شد ناچار بود برای پاشیدن رنگ رادیکالیسم به جنبش خود حرف از سوسیالیسم بزند.

3. شاید روزان هم مانند بسیاری از خوانندگان این واقعیت ها را تا اینجا بپذیرد و از اینجا راه خود را کج کرده و ادعا نماید که این داستان ها و این روایت از فضای سیاسی کردستان به تاریخ پیوسته است و همان ادعای خود که اگر از صد نفری که به آن اشاره کرد بتوان یک شبه کمونیست پیدا کرد ... را تکرار کند. برای ثابت کردن صحت و سقم این ادعا باید دوباره به جامعه مراجعه کرد و دید چه چیزی تغییر کرده است. در 30 سال گذشته در سطح جهانی سرمایه داری دولتی یا اردوگاه شرق سقوط کرد و از سوی ژورنالیسم مؤمن به بربریت و توحش پایان کمونیسم لقب گرفت. در منطقه خاورمیانه نیز دو جنگ در خلیج فارس به رهبری ناتو انجام شده است که هر دو به اندازه کافی بر اوضاع کردستان اثر گذاشته است. در مرحله اول از جنگ خلیج که همزمان با سقوط بلوک شرق بود ،

ناسیونالیسم کرد به کمک ناتو توانست دولت محلی بورژوازی کرد را مستقر کند و ناسیونالیسم کرد را در ایران متوجه شکل بندی جدید قدرت بنماید. در ایران نیز بعد از جریان دوم خرداد جناح داخلی اپوزیسیون کرد مبارزه فرهنگی ملی - اسلامی را برای بیان خواسته های فرهنگی خود برگزیدند . دو رویداد سیاسی فوق الذکر به علاوه تغییرات جهانی بویژه در عرصه تکنولوژی امکانات بیشتری را به جنبش های ناسیونالیستی و اسلامی داد تا با تمام توان به مغزشویی مخاطبان خود و باد زدن افق غیر انسانی نظام خود پرداختند اما در ده سال گذشته همه ی ما شاهد اوج گیری جنبش های اجتماعی در کردستان مانند فستیوال های آدم برفی و روز کودک ، کمپین دفاع از بختیار و ژیل ، برگزاری مراسم چند هزار نفره روز زن ، برگزاری مراسم های مختلف روز کارگر و جنبش دانشجویی بوده ایم که بدون هیچ درجه ای از اغراق توسط قطب رادیکال و آزادیخواه و برابری طلب جامعه نمایندگی می شود. فعالین این عرصه ها از مبارزه طبقاتی خود را تا آن درجه رادیکال می بینند که خواسته های کاملاً انسانی و جهانشمول را نمایندگی می کنند و کمترین تردیدی در ضدانسانی بودن نظام سرمایه داری با دولت های ملی و محلی ندارند . این تنها گوشه بسیار کوچکی از واقعیت را به ما نشان می دهد . نیروی مادی و ماتریال انسانی این جنبش ها انسانهای عزیزی هستند که با وجود شدیدترین درجه

طبقه کارگر وجود ندارد. برخی از متفکران سوسیالیست در جواب به چنین انتقادی وجود رفته رفته و کارگران ساختمانی را به مثابه کارگری بودن و در نتیجه سرمایه داری بودن جامعه کردستان ذکر می کنند که به نظر من به اندازه کافی گویا نیست. استدلال من خیلی ساده است: در این جامعه تولید صورت می گیرد ، بازار وجود دارد بازار ، روابط پولی و سرمایه داری حاکم بر زندگی مردم است . بنابراین جامعه کردستان هم جامعه ای طبقاتی است . طبیعی است که در هر جامعه طبقاتی ، مبارزه طبقاتی به اشکال مختلف و با کالبر متفاوت در جریان است. از اعتراض هر روزه انسانها به وضعیت موجود گرفته تا تحریکات و اعتراضات کارگری در کوره خانه ها ، کارگاهها و کارخانجات کوچک و بزرگ تا سنت های اجتماعی و احزابی که روی این سنت ها شکل گرفته اند. نفس وجود این فاکتورها به اندازه کافی نشان می دهد که در این جامعه طبقاتی و حول مبارزه طبقاتی گرایشات و جریانات کمونیستی وجود دارد . اما برای بیشتر روشن کردن مسأله ناچار هستم کمی به عقب برگردم و سیمای سیاسی کردستان در 30 سال گذشته را ترسیم کنم.

2. در کردستان در پایان دهه 40 شمسی و به طور مشخص بعد از انقلاب 57 اعتراضات رادیکال مردم برای بدست آوردن مطالبات خود که چیزی غیر از تأمین زندگی بهتر و بدست آوردن امکانات زندگی نبود گسترش یافت و بتدریج جامعه حول خواسته های رادیکال قطبی شد . رهبری این قطب رادیکال را جریان سیاسی ای نمایندگی می کرد که با هر نقصی که داشت خود را کمونیست می نامید. در مدت زمان کمی این جریان سیاسی رادیکالیزه تر می شود و تشکیل حزب کمونیست ایران می دهد که زلزله ای در تاریخ کمونیسم ایران محسوب می شود و این افتخار را کمونیستهایی در پرونده مبارزه طبقاتی خود ثبت کرده اند که بخشی از آنها جانشان را بر سر خواسته های کاملاً رادیکال و کمونیستی مانند آزادی ، برابری و حکومت کارگری و با فریاد زنده باد سوسیالیسم از دست داده اند و تعدادی از این عزیزان هنوز در عرصه های مختلف از نبرد طبقاتی به مبارزه خود ادامه می دهند. البته طبیعی است که موج انقلاب تعداد بیشتری از انسانها را به این میدان کشاند که بعداً با موج سوسیال دمکراسی و گرایشات ناسیونالیستی به جایگاه واقعی خود بازگشتند. رادیکالیسم جنبش انقلابی کردستان در آن دوران بحدی هژمونی داشت که ناسیونالیسم کرد را ناچار کرده بود سالها برای دستیابی به خواسته های مشخصاً ملی خود به زبان سوسیالیسم حرف بزند. بخشی از این نیروها در سایه

اختناق و سرکوب در ایران با تحمل زندان ، شلاق ، تبعید و شکنجه این راه را ادامه داده و مبارزه طبقاتی را در اشکال مختلف آن بسته به تناسب قوای خود پیش می برند.

4. اگر منظور نویسنده از کمونیست انسانهایی است که عضو رسمی یک حزب سیاسی و دارای کارت شناسایی است شاید حق با نویسنده باشد و درجیب هیچ انسانی در کردستان نتوان کارت شناسایی یک حزب کمونیستی را پیدا کرد. اما از دیدگاه من جنبش کمونیستی جنبش همه ی انسانهایی است که رفاه ، امنیت ، خوشبختی ، آزادی و برابری را آرزو می کنند . ممکن است این انسانها هنوز یک اثر آکادمیک کمونیستی را نخوانده باشند و کمترین میزان آشنایی با مارکس ، لنین و منصور حکمت داشته باشند اما می خواهند آزاد باشد ، از امکانات مادی و معنوی شایسته انسان امروزی برخوردار باشند ، استثمار نشوند و استثمار نکنند و این را به چشم خود دیده است که نه حکومت اسلامی می تواند این خواسته های او را تأمین کند و نه نظامهای سرمایه داری. خوشبختانه یا بدبختانه جامعه امروز کردستان ایران و بویژه نسل جوان آن کردستان عراق که بهشت ناسیونالیسم کرد خوانده می شود را به عنوان نمونه عینی حاکمیت بورژوازی کرد به چشم خود دیده است .

5. فرض می گیریم حق با روزان باشد و کمونیسم در کردستان در اقلیت قرار بگیرد. باز باید گفت که در چه شرایطی این وضعیت بر مردم حاکم شده است. سه نسل از مردم کردستان با خشونت تمام عیار جمهوری اسلامی روبرو بوده اند . در سالهای اولیه تهاجم جمهوری اسلامی به کردستان دهها هزار نفر جان خود را از دست داده اند، تعداد بسیار زیادی از عزیزان خود را در زندانها و شکنجه گاهها از دست داده اند. تعداد بسیار زیادی را روانه تبعید کرده اند و به جرأت می توان گفت کمتر خانواده ای از طبقه کارگر و انسانهای آزادیخواه جامعه کردستان وجود دارد که از تهاجم هار جمهوری اسلامی در 30 سال گذشته در امان بوده باشد. اگر جمهوری اسلامی به زور سرکوب و اعدام و زندان توانسته باشد سلطه هار خود را بر جامعه انداخته باشد بدان معنی نیست که مردم وضعیت موجود را پذیرفته اند . جمهوری اسلامی با تحمیل سخت ترین نبرد برای زندگی بر بخش وسیعی از زحمتکشان جامعه کردستان را به میدان تیر ، مین و تعقیب و گریز تبدیل کرده است و اگر روزان انصافش را زیر نورشید پروژکتور رسانه های بورژوازی از دست نداده باشد به خوبی می داند که تهاجم جمهوری اسلامی

در تقابل با فریاد آزادیخواهی و برابری طلبی بود که توسط کومله و حزب کمونیست ایران نمایندگی می شد. این تهاجم به هیچ وجه ناسیونالیسم کرد نبود چرا که ناسیونالیسم کرد هنوز در پیچه مذاکره و معامله با جمهوری اسلامی را نبسته بود و در برخی موارد عملاً به پیاده نظام جمهوری اسلامی تبدیل شده بود. هنوز تاریخ شاهد این معاملات و زد و بندهای سیاسی است.

6. در اینجا می خواهم کمی جلوتر رفته و به روزان یادآوری کنم که پایان کمونیسم و پایان خواست آزادی و برابری به منزله خوشبختی انسان نیست . کافی است به وضعیت کشورهای اروپای شرقی نگاهی بیندازیم که پس از عروج سرمایه داری لجام گسیخته غربی چه وضعیتی بر آنها حکمفرما شده است. تنها پس از پایان سرمایه داری دولتی و شکل بسیار ابتدایی از تقسیم سرمایه های جامعه در اروپای شرقی است که مردم ابتدایی ترین حقوق خود را از دست می دهند و برای سیر کردن شکم خود و بچه هایشان روانه بازار سکس اروپای آزاد می شوند. بردگی و بربریت در هارترین شکل خود سایه بر مردم انداخته است و مثل هر جای دیگر تنها ژورنالیسم حرفه ای و مزدور بورژوازی است که از وضعیت موجود با رضایت خاطر سخن می گوید. در اینجا می خواهم بخشی از گفته های منصور حکمت را در توصیف این وضعیت یادآوری کنم.

” سقوط بلوک شرق که این اواخر دیگر فقط در تبلیغات عوا مفریب ترین سخنگویان پیمانهای ورشو و ناتو و هالوترین طرفدارانش به آن ” اردوگاه سوسیالیسم “ اطلاق می شد، یک زلزله سیاسی و اجتماعی بود که کل دنیا را تکان داد. نفس حذف یک قطب از جهانی دو قطبی ، جهانی که همه چیزش از اقتصاد و تولید تا علم و هنر برای دهها سال بر محور تقابل این دو قطب شکل گرفته بود، به اندازه کافی زیر و رو کننده بود. اما آنچه در قلمرو افکار و اندیشه تعیین کننده بود ، این واقعیت بود که حاکمان جهان و کله وسیع سخنگویان و مبلغین جیره خوارش در دانشگاهها و رسانه ها توانستند سقوط شرق را سقوط کمونیسم و پایان سوسیالیسم و مارکسیسم

در پایان روزان عزیز و همه ی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب در کردستان را برای پیوستن به این کمپ انسانی دعوت می کنم.

اعضای هیئت تحریریه اکتبر

اسد گلچینی، رضا دانش ،
سلام زیجی، سیف خدایاری،
کامیار احمدی، ملکه عزتی

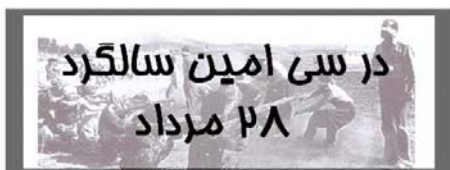
بانگه وازی پشتگیری کومونیسته کان و نازادیخوازانی کوردستان له مان گرتنی سه راسه ری خه لکی کوردستان له روژی ۲۸ گه لاویژ

ببست و هه شتی گه لاویژی نه مسال ماوه ی سی سال به سه ر فه رمانه نگرسه که ی خومه ینی بۆ له شکر کیشی بۆ سه ر کوردستان تی په ر نه ببست. فه رمانی هیرش کردنه سه ر کوردستان، هه لگیرساندنی شه ری دژه شۆرشیی رژیمی کوماری ئیسلامی بۆ سه ر کوردستانی شۆرشگیر بو که نه و کاته جیگه و پیگه و سه نکه ری نازادیخوازانی ئیران وه به رده وامی شۆرشیی گه لانی ئیران بوو.

به شوین هیرشی هیزه سه رکوتکه ره کانی رژیمی کوماری ئیسلامی وه ک سپای پاسداران و نه رته ش بۆ سه ر خه لکی کوردستان، کومونیسته کانی کوردستان به پشت نه ستوری له خو بردوانه ی کومه لانی خه لکی کوردستان به ره ننگاریکی قورس و قایم و چه کدارانه یان له شکلی شه ری سه نکه ر به سه نکه ر و جولانه وه ی کومه لایه تی وه ک ته زاهورات، مان گرتن و کۆچی میژویی به دژی هیرش کارانی کوماری ئیسلامی به به شداری فراوانی کومه لانی خه لکی کریکار و زه حمه تکشی کوردستان ریکخست که داستانی فیداکاری و قاره مانه تی زوری تیدا تومار کراوه که نه م خه لکه تیکۆشه ره تا نیستایش سه رای هه مو چه شنه زه خت و زور، کوشتو بر، زیندان و شکه نجه و نیعدام کۆلیان نه داوه خه باتی بی وچانیان سه ره رای هه ر جۆره فراز و نشیویک بۆ به دی هینانی نازادی و یه کسان و مسو گه ر کردنی مافه کانی خه لکی کوردستان و دیاری کردنی چاره نویسی خۆیان درێژه ی هه یه. جیگای خۆیه تی که نه مسال روژی 28 ی گه لاویژ ریز له یادی نه م خه بات و تیکۆشانه به نرخانه بگرین و سه ری ریز و نوازش بۆ گیان به خت کردوانی نه م خه باته عادلانه دانه وینین. گرینگ نه وه یه که له کیشمه کیشی سیاسی ئیستا کریکاران و نازادیخوازان و کومونیسته کان له کوردستان و ئیران بۆ به دی هینانی داواکاریه کانی خۆیان دا به ریزی سه ر به خۆیانه وه هاتونه ته میدان.

جیگای شانازی به بۆ نیمه کومونیسته کان و نازادیخوازان که له رابردو و نیستایش هه ر له ریزی پێشه وه دا بووین و پال پشتی خو راگر و شیلگیری نه م خه باته ین. له نالۆگۆره کانی یه ک دو مانگی رابردودا به ریزه ی یه کجار که م خه لکی کوردستان به شداری شانۆگه ری هه لیزاندنی سه ر کوماریان کرد و له نه وه یش گرینگ تر خه لکی کوردستان به پیچه وانه ی حیزبه ناسیونالیسته کورده کان نه که و تنه شوین پرچی کونه په رستی سه وزی باله که ی دیکه ی کوماری ئیسلامی. پله ی بالای وشیاری چینی کریکار و خه لکی تینوی نازادی له کوردستان و به ره ی چه پ و کومونیسته له نالۆگۆره کانی نه م کاته ی ناو ئیران دا به باشی جیگای سه رنجی کومه لانی خه لکی تیکۆشه ر بوون. هه لووبستی ژیرانه ی کریکاران و کومه لانی خه لکی کوردستان ده ر حه ق به هه ر دو باله که ی رژیمی ئیسلامی به پیچه وانه ی بانگه وازی حیزبه ناسیونالیسته کانی کوردستان، پێشی به نه وه گرت که خۆیان بکه ن به که و اسپی به تیپی بالیک له باله کانی رژیمی ئیسلامی ئیران.

کریکاران و کومه لانی خه لکی کوردستان



روژی 28 ی گه لاویژ سال یادی هیرش و جنایه تی کوماری ئیسلامی بۆ سه ر خه لکی کوردستان، به مان گرتنی سه راسه ری خۆتان جاریکی دیکه ریزی پته و و نازادیخوازی و یه کسانی خوازی خۆتان به هه ر دو باله کانی رژیمی ئیسلامی ئیران نیشان بده ن و ته واوی خه لکی کوردستان بۆ په یوه ست بون به نه م مان گرتنه سه راسه ریه بانگه واز بکه ن. روژی 28 ی گه لاویژ نه ببست شوینی کار، کارخانه کان، دوکان و بازارو ئیداراتی ده وڵتی له ته واوی شار و گونده کانی کوردستان دا بخرین و نه و روژه بکه ین به روژی هاوده نگی و ده ربیرینی ناره زایی و قین و توره بی ته واوی خه لکی کوردستان به دژی رژیمی کوماری ئیسلامی و هه ر دو باله سه وژ و ره شه که ی.

ریکخراوه سیاسیه کان، نه حزانی چه پ و کومونیسته، هه لاسوراوانی کومونیسته و نازادیخوازان! بۆ به ره پیش بردنی یه کگرتوانه ی نه م بانگه وازه و به شداری فراوان و قایم تری ریز گرتن له سال یادی 28 ی گه لاویژ له گه ل نیمه هاو ده ننگ ین.



بژی نازادی و به رابه ری
بروخیت رژیمی کوماری ئیسلامی ئیران
بژی مان گرتنی سه راسه ری خه لکی کوردستان



زنده باد سوسیالیسم!